



نظرخواهی

روزنامه‌نگاران چه می‌گویند؟

لیلا رستگار

آزادی مطبوعات در جوامع انقلابی تنها یک شعار نیست که فریادگر و آژده‌های کوبنده باشد و چون تندی بدرخشد و ناپدید شود. آزادی مطبوعات یک ضرورت است، نشانه سلامت و شعور جامعه و زبیده جامعه متحول و پویاست و روزنامه‌نگاران - این گزارشگران واقعیت و منادیان حقیقت - به یمن این آزادی می‌توانند با صداقت، تعهد و عشق در کنار مردم، در جهت رشد و بالندگی هرچه بیشتر جامعه و زدودن زنگارهای ناآگاهی و ناتوانی تلاش کنند، تلاشی ایثارگرانه و حتی تا سرحد جان باختن. و این مسکن نیست مگر به یاری ابزارهای حمایتی بی‌چون و چرا.

قانون مطبوعاتی برخاسته از نظرات روزنامه‌نگاران و درد آشنایان دلسوخته این حرفه می‌تواند یکی از این ابزارها باشد. بحث ضرورت بازنگری قانون فعلی مطبوعات زمینه‌ساز تهیه گزارشی شده که بر مبنای نظرات متفاوت روزنامه‌نگاران شکل گرفته است.

طبیعی است که نظریات بسیار متفاوت و گاه متضادی در مورد چند و چون این مسأله وجود دارد، اما آنچه می‌توان به شکل قاطع مطرح کرد این است که: تدوین قوانین خاص مطبوعات و یا بازنگری قوانین موجودی که در زمینه حرفه پرشور و شور روزنامه‌نگاری وجود دارد، حتماً باید در بستر نظرخواهی از روزنامه‌نگارانی حرکت کند که سالهاست با تمام توان خود درگیر زشتیها و زیباییهای این کار هستند. بدون توجه به نظرات مستدل، واقع‌بینانه و از سردرد بسیاری از روزنامه‌نگاران

امروز، بازنگری قوانین فعلی کمک چندانی به از بین بردن کاستیها و ضعفها نخواهد کرد. پیش از پرداختن به موارد خاص - مثل قانون مطبوعات - باید به مورد کلی‌تری اشاره کرد و آن نوع نگرش به این حرفه است. تاز زمانی که نگاه کارگزاران و قانون‌نگاران به روزنامه‌نگاری، نگاهی همه‌جانبه و واقع‌بینانه نباشد و تا زمانی که استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به رسمیت شناخته نشود، تمام تلاشها در نیمه راه متوقف خواهد ماند. به اعتقادی «تا زمانی که حرفه روزنامه‌نگاری از استقلال برخوردار نشود، تا موقعی که روزنامه‌نگار مثل پزشک و وکیل دادگستری دارای قانون حرفه‌ای مصوب مجلس نباشد، نمی‌تواند به امنیت شغلی خود اطمینان داشته باشد و زندگی‌اش را روی مسؤلیت اجتماعی بی‌که قبول کرده است، بگذارد. تا به استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگار نرسیم، روزنامه‌نگاری یک شغل فرعی و متزلزل خواهد بود. در حالی که در دنیای امروز، روزنامه‌نگار بزرگترین مسؤلیت اجتماعی را برعهده دارد. با این اهمیتی که دنیای ارتباطات پیدا کرده است و روز به روز هم گسترش پیدا می‌کند، ما باید از حرفه روزنامه‌نگاری با تصویب یک قانون جدید در جهت تأمین استقلالش دفاع بکنیم، امتیازات مادی و معنوی روزنامه‌نگار را به رسمیت بشناسیم و تأمین بکنیم و انتظار داشته باشیم که در برابر این امتیازات روزنامه‌نگار هم مسؤلیت خودش را انجام بدهد».

عهده‌ای دیگر نیز معتقدند که مطبوعات اصلاً به قانون خاصی نیاز ندارند و در مواردی که قوانین موجود پیش‌بینی لازم را نکرده باشند، خود اعضای مطبوعات باید به این مسائل رسیدگی کنند: «با توجه به صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی، مطبوعات نه قانون می‌خواهند، نه دادگاه ویژه، نه هیأت منصفه، نه سوبسید و نه هدایتی از هیچ‌کجا؛ جز دانش و بینش و بصیرت و همت خود اعضای جامعه مطبوعات»^۲.

نگاهی گذرا به تاریخ

«اولین ماده قانونی درباره مطبوعات در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هـ ق یعنی حدود هشتاد سال پس از انتشار اولین روزنامه به مدیریت میرزا صالح شیرازی به تصویب رسید. پس از آن نیز تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران انبوهی از قوانین مطبوعاتی تصویب شد که این قوانین، در مواردی بیشتر به منظور گسترش اختناق و تشدید قیدوبند بر مطبوعات بود. علاوه بر آن در این مدت هیچ ضابطه و معیاری برای حقوق و جرایم مطبوعاتی وجود نداشت و در اغلب مواقع و بخصوص در دوره خودکامگی پهلوی، سيطرة کامل پلیس بر مطبوعات برقرار بود»^۳.

اولین ماده قانونی درباره مطبوعات در اصل سیزدهم قانون اساسی مصوب ۱۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴ هـ ق آمده است که بخشی از آن چنین است: «... عموم روزنامه‌ها مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفید عام‌المنفعه را، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا هتمت و افترا بزند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد»^۴.

اصول بیستم، هفتاد و هفتم و هفتاد و نهم متمم قانون اساسی - مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هـ ق - نیز درباره مطبوعاتند. اصل بیستم این قانون تصریح می‌کند که: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد، و میرزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشردهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود»^۵.

اولین قانون مطبوعات ایران در تاریخ ۵

تدوین قوانین خاص مطبوعات و یا بازنگری در قوانین موجود مربوط به کار مطبوعات حتماً باید در بستر نظر خواهی از روزنامه‌نگاران حرکت کند. تا زمانی که روزنامه‌نگار هم مثل پزشک و وکیل دادگستری دارای قانون حرفه‌ای مصوب مجلس نباشد، نمی‌تواند به امنیت شغلی خود اطمینان داشته باشد.

محرم سال ۱۳۲۶ هـ ق مشتمل بر مقدمه، شش فصل و ۵۲ ماده تصویب می‌شود. دکتر کاظم معتمدنژاد مُدرس دانشگاه در این باره می‌گوید: «دو سال بعد از انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۶ هـ ق، با اقتباس از آخرین قانون مطبوعات فرانسه (که آزادی مطبوعات را به تحقق رساند، قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۹) در ایران، مشروطه‌خواهان، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران امور دولتی و مطبوعاتی اولین قانون مطبوعات ایران را تهیه کردند. اولین قانون مطبوعات ایران مصوب محرم ۱۳۲۶ هـ ق بر مبنای قانون ۱۸۸۱ فرانسه، نظام تنبیهی را قبول کرد، به‌طور طبیعی انتظار هم همین بود که بعد از انقلاب مشروطیت رابطه‌مان با استبداد قطع شود و مسأله نظارت مستقیم دولت بر مطبوعات و سانسور مطبوعات و مشکلات و مصیبت‌هایی که برای روزنامه‌نگاران در دوره استبداد فاجار پدید آمده بود، بعد از مشروطیت از میان برود. در واقع تدوین‌کنندگان نخستین قانون مطبوعات، سعی کردند که نظام تنبیهی را جانشین نظام احتیاطی و نظام پیشگیری بکنند. به همین سبب مانند قانون فرانسه ارسال اعلام‌نامه از طرف مدیران مطبوعات را به موجب ماده اول همین قانون مطبوعات کافی دانستند، اما متأسفانه در عمل از همان آغاز، اداره انطباعات که محلش در مدرسه دارالفنون بود، مدیران مطبوعات را مجبور می‌کرد مراجعه کنند و برای اجرای قانون مطبوعات تعهد و التزام بدهند، و کسانی که این التزام را می‌دادند برایشان امتیاز صادر

می‌شد»^۶.

و بعد از این قانون تا پیروزی انقلاب اسلامی لوايح، آیین‌نامه‌ها و قوانین متعددی به تصویب می‌رسند که یا کل آنها و یا مواد و تبصره‌هایی از مجموعه این قوانین در ارتباط با مطبوعات هستند^۷ و طبیعی است که انتظارات مردم و روزنامه‌نگاران پس از پیروزی انقلاب، بسیار بالا است. پس از انقلاب «شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیستم مردادماه ۱۳۵۸، اولین قانون مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی ایران را که در حقیقت چهارمین قانون مطبوعات از بدو قانونگذاری به بعد شمرده می‌شود، به تصویب رساند. این قانون فصل‌بندی نشده و مشتمل بر ۴۱ ماده و ۱۷ تبصره است. طبق آن، کارگزاران و عوامل رژیم گذشته از انتشار نشریه ممنوع شده‌اند. مستخدمین دولت مجاز به داشتن امتیاز انتشار روزنامه گردیده‌اند. مقرر شده به جرایم ارتكابی مطبوعات در دادگاه جنایی با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود. شرایط و نحوه انتخاب هیأت منصفه و حدود اختیارات آنها نیز طی مواد ۳۱ الی ۳۸ قانون مذکور مشخص شده است. این لایحه قانونی با لغو کلیه قوانین و مقررات مغایر، تنظیم آیین‌نامه اجرایی را به عهده وزارت ارشاد قرار داده و تأکید کرده است که سعی شود جز آنچه مربوط به اعمال حاکمیت دولت است، اجرای قانون حاضر به سازمانهای صنفی واگذار شود»^۸.

و بالاخره پنجمین قانون مطبوعات ایران در ۲۳ ماده و ۲۳ تبصره در تاریخ

■ مهمترین نقاط ضعف قانون مطبوعات فعلی عبارت است از: عدم صراحت بعضی از مواد، قابل تفسیر بودن برخی از واژه‌ها و عدم طرح مسائل اساسی مطبوعات.

۱۳۶۴/۱۲/۲۸ به تصویب نهایی می‌رسد و سپس آیین‌نامه اجرایی آن نیز در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۸ در ۳۰ ماده و ۸ تبصره تصویب می‌شود و در نهایت اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات در تاریخ بیست‌ونهم شهریورماه سال ۱۳۶۶ مورد تصویب قرار می‌گیرد. بحث درباره جزئیات بسیار ریز قانونی در این مطلب نمی‌گنجد اما سعی شده است تا موارد اساسی که به عنوان نقاط ضعف قانون مطبوعات موجود، مطرح‌شد، از سوی روزنامه‌نگاران مورد بررسی قرار گیرند.

آنچه باید مورد بازبینی قرار گیرد

پنجمین قانون مطبوعات ایران مصوب اسفندماه سال ۱۳۶۴ که امروز ملاک عمل کارگزاران است از دیدگاه روزنامه‌نگاران، ضعفا و کمبودهای بسیار دارد که در مجموع می‌توان به عدم صراحت بعضی از مواد، قایل تفسیر بودن برخی از واژه‌ها و عدم طرح مسائل اساسی مطبوعات اشاره کرد. عده‌ای از حقوقدانان مرتبط با مطبوعات براین اعتقادند که بسیاری از مواد این قانون به شکل ناقصی از لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ اقتباس شده‌اند و به همین دلیل نارساییهای متعددی دارد.

هنگامی که در دومین جشنواره مطبوعات نظر صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول یکی از نشریات اجتماعی - فکاهی را که در تبریز منتشر می‌شود درباره چگونگی بازنگری در قانون مطبوعات می‌پرسیم، پاسخ می‌دهد: «قانونی که نیاز به بازنویسی و تصحیح داشته باشد - بدون اینکه اقرار شود که چه امری باعث احساس نیاز به این بازنویسی و تصحیح شده است - قانونی خواهد بود که سه‌سال دیگر مجدداً نیاز به بازنویسی پیدا خواهد کرد». اما علی‌رغم چنین نظری، روزنامه‌نگاران گفتمانی‌های بسیار درباره چگونگی بازبینی قانون مطبوعات دارند.

مهدی بهشتی‌پور، روزنامه‌نگار، در پاسخ به این سؤال که: «به اعتقاد او در بازبینی قانون مطبوعات چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد»، می‌گوید: «بازبینی قانون مطبوعات، اگر منحصر باشد به برخی اصلاحات جزئی یا عبارتی، به هیچ‌وجه وافی به مقصود نیست. حتی اگر از این نکته مهم چشم‌پوشیم که قانون فعلی مطبوعات به‌طور کامل نیازمند تغییرات اساسی و بنیادی است، باز هم لازم است که در آن تغییرات فراوانی داده شود تا همه مواد آن با مفهوم «آزادی بیان و افکار» به‌طور کلی و «آزادی مطبوعات» به‌طور خاص، سازگاری پیدا کند. این تغییرات همچنین باید دارای ضمانتهای اجرایی و اجبار رعایه باشند تا به‌طور مثال هیچ شخص حقوقی و حقیقی نتواند در هیچ امری از امور مطبوعات ولو به‌طور غیرمستقیم و جنبی دخالتی کند که آزادی قلم و بیان را محدود و مقید سازد - هر دخالتی در امور مطبوعات وقتی مجاز است که فقط به حکم دادگاه ویژه مطبوعاتی وابسته به قوه قضاییه و لاغیر - آن‌هم برنظر قاطع هیأت منصفه مطبوعاتی مبتنی باشد.

در تاریخ یکصدوشصت سال چاپ و انتشار مطبوعات فارسی زبان در ایران ضوابط عادلانه‌ای برای تثبیت و تضمین حقوق و مسؤولیتهای شاغلان وسایل ارتباط جمعی به نحوی که حرفه ژورنالیسم، چنانکه در شأن آن است، وجود نداشته است و همانطور که اطلاع دارید تاکنون چندین بار برای مطبوعات قانون‌هایی تدوین شده و مورد تصویب قرار گرفته و به اجرا گذاشته شده که از لحاظ کلی و مواردی حتی از نظر برخی جزئیات با هم مشابه بودند، کمااینکه در قانون فعلی بعضی از مواد و برخی از تبصره‌ها مشابه با هم و تقریباً تکرار بعضی از قوانین گذشته است. جزاینکه در برخی از مواد و تبصره‌ها مخصوصاً ماده ۲۷ و ۲۸ قانون فعلی موضوع «لغو پروانه» که

موجب تعطیل نشریه و بیکاری دههاتان می‌گردد افزوده شده است».

مصطفی حقدوست، عضو تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی، براین اعتقاد است که در بازبینی قانون مطبوعات ابتدا باید واقعتهای جامعه کنونی را دید و سپس خط‌مشی آینده را ترسیم کرد: «فکر بازبینی قانون مطبوعات از آنجا ناشی شد که مسؤولان پس از تصویب متوجه نقصهایی در آن شدند. به‌نظر من این نقیصه به‌خاطر عدم شناخت مطبوعات جامعه ایران و دور بودن دست‌اندرکاران تدوین قانون از واقعیتها بود. امروز در هر مجمع و مرکز مطبوعاتی سخن از آن است که جامعه مطبوعاتی کشور دارای ویژگیهای خاص خودش است و در چارچوب کهن تدوین شده از قبل نمی‌گنجد.

اما متأسفانه می‌بینیم که در اجرا همچنان اصرار برآن است که متولیان امور خارج از جامعه مطبوعاتی حاضر و یا حداقل از جامعه مطبوعاتی دیروز و کلاسیک باشند! پس در بازبینی قانون مطبوعات، ابتدا باید واقعتهای جامعه کنونی دیده شوند و سپس با توجه به توان و امکان همین جامعه خط‌مشی‌های آینده ترسیم گردد و هدایت و اجرای قانون نیز در همین جهت باشد، در غیراین‌صورت چه بسا که پس از بازبینی، دوباره در انتظار بازنگری خواهیم بود و به‌جاست که این اصل در خود قانون لحاظ گردد».

اشرف گرامی‌زادگان، مدیرمسئول مجله هفتگی زن‌روز، معتقد است که: «در بازبینی قانون مطبوعات می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

الف) اصطلاحات و واژه‌های مندرج در قانون روشن گردند و حدود و ثغور آنها مشخص شود. به عنوان مثال گفته شده است که مطالب خلاف عفت عمومی نباید درج گردد. عفت عمومی را اصطلاح کلی می‌گیریم و یا اینکه به نظرات شخصی افراد توجه داریم؟ در مجموع فصل چهارم که حدود مطبوعات است به‌نظر می‌رسد که ملاک‌هایش باید روشن گردد.

ب) ما در ماده ۹ مثلاً سرتقتهای ادبی را مطرح کرده‌ایم و نگاهمان فقط به نوشتار بوده است. با حذف کلمه «ادبی» و جایگزینی کلمه «فرهنگی» - و یا کلمه‌ای مناسب - می‌توانیم این سرتقت را به عکس و چاپ آن در نشریه تسری دهیم. چون در عصر حاضر عکس خود یکی از بهترین انواع ارائه‌اندیشه

وافکار است. وقتی که در زمینه عکس نه اجازه‌ای از نشریه گرفته می‌شود و نه برطبق یک قاعده اخلاقی به نقل اثر و مندرج در فلان نشریه اشاره نمی‌شود باید به این مسأله اهمیت داد.

ج) نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که می‌توان از دست‌اندرکاران دیگر مطبوعات خواست تا تجربیات خود را در این زمینه ارائه دهند. ضرورت دارد گفته شود که ما متعارفاً به عرف عمومی مراجعه می‌کنیم از این رو ملاک عکس و تصاویر مندرج در ماده ۲ را به تفسیر عموم واگذاشته‌ایم!

منصور سعدی، دبیر سرویس شهرستانهای روزنامه کیهان، به این نکته اشاره می‌کند که در قانون فعلی مطبوعات صحبتی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، که در واقع افراد و اجزای تشکیل دهنده نشریه هستند، به میان نیامده است و این گروه نه تنها در قانون مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه به آنان بی‌مهری هم شده است و این نکته به عنوان یکی از نقضهای اساسی قانون مطبوعات، هنگام بازبینی قانون باید مورد توجه قرار گیرد.

تانگردی آشنا، زین پوده رمزی تشنوی بسیاری از نارساییهای قانون فعلی مطبوعات ناشی از این نکته بسیار اساسی است که متأسفانه روزنامه‌نگاران مجرب و متعهد هنوز آن‌طور که باید و شاید تصمیم‌گیریهایی که به خود مطبوعات مربوط است، شرکت داده نمی‌شوند. عدم حضور روزنامه‌نگاران در دانشا در مراکز تصمیم‌گیری، منجر به تدوین قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی می‌شود که در روند کار مطبوعاتی مشکلات بسیار ایجاد می‌کند و این نکته‌ای است که رضا خسروی - دبیر سرویس گزارش روزنامه همشهری - به آن اشاره می‌کند: قانون کنونی مطبوعات (مصوب ۶۴/۱۲/۲۸) به دلایلی نیازمند بازبینی و تجدیدنظر است: نخستین دلیل، ریشه در نوع نگاه و روح حاکم بر این قانون، دارد. قانونی که بیشتر ناظر بر "تخلفات" و "جرایم مطبوعاتی" است و کمتر به حقوق حقه کارکنان مطبوعات اندیشیده، گویی از آغاز تهیه و تدوین، در حاله‌ای از بدبینی و ناباوری، رقم خورده است! چرا؟

چرا قانون مطبوعات از کاستیها و نارساییهای ملال‌آور برکنار نیست؟ زیرا

۶ پرسش



حقوقدانان و صاحب‌نظران باید قانون مطبوعات را بررسی کنند

مینو بدیعی، مدرس روزنامه‌نگاری و عضو تحریریه روزنامه کیهان

قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ در شرف بازنگری است. چندتن از روزنامه‌نگاران با سابقه - مینو بدیعی، مسعود مهرابی و حمیرا حسینی یگانه - به شش سؤال در این باره پاسخ گفته‌اند. برخی از ایشان به‌طور مشخص به هر سؤال جواب داده‌اند، اما بعضی دیگر نظرات خود را به شکل یکپارچه مطرح کرده‌اند. سؤالات از این قرار بودند:

۱. به اعتقاد شما در بازبینی "قانون مطبوعات" در مجموع چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند؟

۲. آیا فکر می‌کنید که در قانون مطبوعات امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تأمین شده است؟

۳. فکر نمی‌کنید که در قانون مطبوعات وجود تضمینی برای دادن اطلاعات لازم از سوی مسئولان و مراکز مختلف به روزنامه‌نگاران ضروری است؟

۴. به نظر شما برای تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران در قانون مطبوعات چه تمهیداتی باید اندیشید؟

۵. جرم مطبوعاتی از دید شما چگونه جرمی است؟

۶. اگر خارج از چارچوبهای مطرح شده، ناگفته‌ای مانده است، مطرح کنید؟

با ما در همخوانی نظرات این سه روزنامه‌نگار همراه شوید:

۱. به اعتقاد شما در بازبینی "قانون مطبوعات" در مجموع چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند؟

در بررسی اجمالی قانون مطبوعات می‌توان مشاهده کرد که این قانون از ۶ فصل تشکیل شده است که فصل سوم آن به حقوق مطبوعات اختصاص دارد. در این فصل، فقط ضمن ۳ ماده و یک تبصره به حقوق مطبوعات پرداخته شده است. در تبصره آمده است که «انتقاد سازنده مشروط به دارابودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد». در این تبصره اساساً مشخص نیست که «انتقاد سازنده یعنی چه؟». هرکس در توجیه معنا و مفهوم «انتقاد سازنده» با دیدگاههای فکری و عقیدتی خود برخورد می‌کند و مشخص نبودن این چارچوب تا حد زیادی اصل آزادی بیان و مطبوعات را مخدوش می‌کند. به عبارت دیگر هیچ‌گاه در جامعه ما تعریف دقیقی از «انتقاد سازنده» ارائه نشده است و همین مسأله یادآور این مصراع است که: «هرکسی از ظن خود شد یار من».

یکی از مواردی که باید در بازبینی قانون

پردازندگان آن، همچون انبوهی از گردانندگان نشریات کنونی کشور و نیز مانند بعضی از تصمیم‌گیران، نه مطبوعات را می‌شناسند و نه حساسیتها و ویژگیهای آن را: نگاه کنید به ترکیب «هیأت نظارت بر مطبوعات» و ببینید که این کاستی از کجاها سرچشمه می‌گیرد: «یکی از فضات دیوان‌عالی کشور، وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده وی، یک نماینده مجلس، یک استاد دانشگاه و دست‌آخر - شاید از سر خالی نبودن عریضه - «یکی از مدیران مسؤول مطبوعات». اینها هستند که باید گردهم آیند و برای مطبوعات ما تصمیم‌گیری کنند. اما، نه بیشتر مدیران مسؤول با حساسیت‌های ژورنالیستی‌اشناایی دارند و نه الزاماً آن چهار نماینده دیگر: باید خاک تحریریه و سرب چاپخانه را خورد تا درآشنا شد!»

رضا خسروی همچنین به نکات دیگری در زمینه بازنگری قانون مطبوعات توجه دارد و می‌گوید: «قانون مطبوعات باید از وضوح و صراحت کافی برخوردار باشد و راه را بر هرگونه تحلیل و نقد و تفسیر ببندد. اما در قانون مورد بحث، چنین نیست.

در مورد جرایم مربوط به لغو امتیاز نشریه نیز، نگارنده با نظر استاد مهدی بهشتی‌پور یکسره توافق دارد: در صورت لغو امتیاز نشریه، تکلیف کارکنان آن و خانواده‌هایشان چه می‌شود؟ آیا نمی‌شود امتیاز نشریه متخلف را به شخصی دیگر واگذار کرد؟».

اشاره کردیم که بعضی از روزنامه‌نگاران براین اعتقاد پای می‌نشانند که مطبوعات به قوانین خاص نیاز ندارند. این عده می‌گویند که با وجود قوانین متعددی که در ارتباط با جرایم مختلف در جامعه ما وجود دارند، اگر مطبوعات نیز مرتکب چنین جرایمی شوند، باید براساس همین قوانین به مجازات برسند و در مواردی که قانونی در زمینه خاص مطبوعاتی وجود ندارد، باید تشکیلات خاص مطبوعات به این مسائل خاص رسیدگی کند.

غلامحسین صالحیار عضو تحریریه روزنامه اطلاعات، معتقد است که مشکل اساسی و سخت‌ترین گره کور در کار مطبوعات آنجاست که نه دولت، نه مردم و نه حتی بسیاری از خود اعضای جامعه مطبوعات هنوز به‌طور جدی باور ندارند که مطبوعات یک «حرفه» است و آن را کماکان یک وسیله سیاسی می‌دانند. او می‌گوید: «نه آنکه من



عقیده داشته باشم که مطبوعات به سیاست کاری ندارند، بلکه برعکس حرفه مطبوعات را در عرصه سیاست ابزاری بسیار مؤثر می‌دانم، اما این تنها یک جنبه از این حرفه‌ای است که ابعاد گوناگون و کاربردهای متفاوت دارد. اصل آن است که ابتدا بپذیریم که مطبوعات یک حرفه است، آن وقت بسیاری از مشکلات - ابتدا در ذهنمان، و آنگاه در عمل - حل خواهند شد».

او چنین ادامه می‌دهد که: «اگر این اصل را بپذیریم که کار مطبوعات، با وجود کاربرد وسیع سیاسی، فی‌نفسه، کاری سیاسی نیست، آن وقت بسیاری از مشکلات آسانتر حل می‌شوند و قبل از همه آنکه حاکمیت به این حرفه نیز همچون دیگر حرفه‌های اجتماعی - و کمتر با سوءظن - خواهد نگرست و حقوقی را که برای اصناف مختلف می‌شناسد برای آن هم خواهد شناخت. از جمله آزادی کسب و پیشه، آزادی حق ارائه کالا یا خدمت، واگذار کردن قضاوت و خواستاری محصول کار به مشتری، تشکیل آزادانه اتحادیه صنفی و واگذاری رسیدگی به مسائل، و حتی تخلفات آن به خود اعضای آن صنف».

غلامحسین صالحیار، عضو با سابقه تحریریه روزنامه اطلاعات، چنین نتیجه می‌گیرد که: «خوب، اگر قبول کنیم که مطبوعات کار سیاسی نیست و فقط یک حرفه است، به فرض توجیه دخالت بعضی دولت‌ها به دلایلی در امور آن، حداکثر این امر می‌تواند از قبیل «اعمال تصدی» یک دولت باشد، نه

جزو «اعمال حاکمیت» آن و در چنین صورتی چرا دولت‌ها اداره امور آن را به خود مطبوعات و اگذار نکنند؟ چرا بخشی از نیرو و بودجه دولت صرف این شود که برای مطبوعات قانون بنویسد، دادگاه به وجود آورد، هیأت منصفه تشکیل دهد و برایش اتحادیه صنفی دست‌وپا کند، امتیاز انتشار نشریه و پروانه کار در مطبوعات صادر نماید، خانه مطبوعات بسازد و خانه‌سازی برای اعضای مطبوعات را برعهده گیرد؟ این صنفی که کارش و کارکنانش را تا این حد بزرگ و جدی تلقی می‌کنیم، آیا شایستگی آن را ندارد که دست‌کم امور خودش را به خودش واگذار کنیم؟ و از آن بالاتر چرا در این تنگناهای سخت اقتصادی، سیاستی درباره مطبوعات در پیش گیریم که مدیران آن از دولت توقع سوبسید هم داشته باشند؛ کاغذ بخواهند فیلم بخواهند، زینت بخواهند و...؟ نشریه‌ای که بدون کمک دولت انتشارش صرف ندارد، پس وجودش (حتی از نظر دولت) مفید کدام فایده خواهد بود؟ و البته فراموش نشود که بحث بر سر «ژورنالیسم حرفه‌ای» است. مسأله «ژورنالیسم غیرحرفه‌ای» به کلی جداست».

قانون مطبوعات و امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران

بی‌تردید روزنامه‌نگاری یکی از جذابترین و در عین حال خطرناکترین حرفه‌هاست. آن‌هم در شرایطی که مؤسسه بین‌المللی مطبوعات اعلام می‌کند که آزادی مطبوعات در ۱۲۰

کشور جهان به طور کامل یا جزئی نقض می‌شود. مطالعات این مؤسسه نشان می‌دهند که ۱۳۵ کشور جهان در آستانه نقض آزادی مطبوعات هستند^{۱۲}. در پیامی که دبیرکل یونسکو به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد، گفت: «آنان که شغلمان گزارش حقیقت است، قربانی عدم بردباری نژادی، مذهبی و سیاسی می‌شوند. در سال گذشته ۱۰۰ کارشناس حرفه‌ای رسانه‌های جمعی در حین انجام وظیفه کشته شدند^{۱۳}». و تنها از آغاز سال جاری مسیحی تاکنون ۱۶ خبرنگار کشته شده‌اند^{۱۴}.

اگر از میدان جهانی به فضای داخلی باز گردیم، بساز می‌بینیم که در داخل دموکراتیک‌ترین کشورها نیز روزنامه‌نگاران همواره با انواع خطرات جانی و مالی و حیثیتی روبرو هستند و اگر واقعاً قوانین از آنان حمایت نکنند، میزان این خطرات و آسیبها به حداکثر خواهد رسید. فقدان امنیت حرفه‌ای تنها برجان و مال روزنامه‌نگاران اثر نمی‌گذارد، بلکه بی‌محتوا شدن مطبوعات، وجود مطبوعات بی‌تفاوت و خشی و روزنامه‌نگارانی که کمتر حاضر به خطر کردن هستند و به راحتی می‌توانند واقعیتها را به خاطر کمترین خطرات احتمالی ندیده بگیرند، از جمله عوارضی هستند که در صورت نبودن امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری ایجاد می‌شوند. به‌حق، این مسأله در بازنگری قانون مطبوعات باید مورد توجه قرار گیرد.

دکتر محسین‌راد، در یکی از مقاله‌های

مطبوعات مدنظر قرار گیرد، مشخص کردن حقوق مطبوعات در مواد تبصره‌های بیشتری است. از آن گذشته انتقاد سازنده می‌باید به‌طور کاملاً روشن در تبصره ماده ۳ تعریف شود. فصل چهارم این قانون به حدود مطبوعات در دو ماده اشاره می‌کند. در بخش ۳ ماده یک، که یکی از موارد اخلال را تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر می‌داند، در واقع تعاریف «اسراف» و «تبذیر» به‌طور دقیق مشخص نیستند. در این فصل و در ماده ۶ بخش «۹» آن نیز، که درباره سرقتهای ادبی و نقل قول مطالب از مطبوعات، احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام است نکاتی را مطرح کرده که ابهامانی در آنها دیده می‌شود و نیازمند بازبینی است. در فصل پنجم «شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه» برای نشریه مشخص شده است در این باره گفتنی است که این ماده به‌طور کلی محدودیتهایی را برای انتشار نشریات به‌وجود آورده است. هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا، نیازی به دریافت پروانه و یا اجازه انتشار نشریه و یا روزنامه از سوی هیچ ارگان دولتی وجود ندارد. به بیان دیگر حرفه روزنامه‌نگاری به قدری از اعتبار و شأن والا برخوردار است که کمتر کسی به سراغ این حرفه می‌رود مگر آنکه شؤن و منزلت او از لحاظ جامعه شناخته شده باشد و اساساً به‌جای کنترل دولتی نوعی نظارت حرفه‌ای و روزنامه‌نگاران بر فعالیت‌های مطبوعاتی جریان دارد که قابل توجه است. در این مورد به کسانی که وظیفه سازنگری قانون مطبوعات را برعهده دارند پیشنهاد می‌شود که محدودیتهای نه‌چندان ضروری را برای انتشار نشریات مختلف از میان بردارند. در ماده ۱۰ قانون مطبوعات در مورد اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات اسامی چندتن از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی عنوان شده است که (که شخصیت‌های فرهنگی هستند) اما متأسفانه از بین این پنج نفر تنها یک نفر (یکی از مدیران مسؤول مطبوعات)، روزنامه‌نگار است و این پرسش مطرح می‌شود که آیا تعداد بیشتری از روزنامه‌نگاران نباید در هیأت نظارت بر مطبوعات عضویت داشته باشند؟ فصل ششم قانون مطبوعات نیز به جرایم اختصاص دارد. ایسین بخش دارای مواد مختلف و تبصره‌های گوناگون است. در ماده ۲۳ آمده است که: «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل

بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص، اعم از حقیقی یا حقوقی، مشاهده شود ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک‌ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این‌گونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است مجانی به چاپ برساند. به‌شرط آنکه جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و...»

متأسفانه این ماده دست مطبوعات را برای درج و انعکاس بسیاری از رویدادها بسته است این‌همه به دلیل آن است که چون حدود مرز «انتقاد» در جامعه ما مشخص نیست و هرکسی برداشت خاصی از آن دارد بسیاری از افراد صاحب‌نفوذ به محض طرح کوچکترین انتقاد نسبت به عملکرد سازمان متبوعه‌شان (که به‌هیچ وجه توهین و یا افترا هم نیست) شروع به پاسخ دادن می‌کنند و این ماده را همچون «شمشیر داموکلس» بر فرق روزنامه‌نگاران و یا مطبوعات فرود می‌آورند که شما مکلف هستید که تکذیب ما را در اسرع وقت چاپ کنید. اما همین مسؤولان با نفوذ در شرایطی که خبرنگاری در صدد پاسخ گرفتن برای بسیاری از سؤالات در مورد مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، اداری و... است از مصاحبه و رودرویی مستقیم با خبرنگار طفره می‌روند و قانون مطبوعات نیز دست آنان را برای دادن تکذیب‌نامه‌های بلندبالا باز گذاشته است. و همین‌طور صاحبان این تکذیب‌نامه‌ها را به‌گونه‌ای قدرت بخشیده که می‌توانند از تشریح به دادستانی شکایت کنند. پیشنهاد می‌شود که در ماده ۲۳ قانون مطبوعات و تبصره‌های آن تجدیدنظرهایی صورت بگیرد زیرا که این ماده تا حدی آزادی مطبوعات را محدود می‌کند.

۲. آیا فکر می‌کنید که در قانون مطبوعات امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تأمین شده است؟

متأسفانه در این قانون توجه بسیار کمی به امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران شده است و اگر در یک نگاه کلی قانون مطبوعات را بررسی کنیم در می‌یابیم که بیشتر، محدودیت و موانع خاص این قانون در سراز روزنامه‌نگاران قرار دارد. به بیان دیگر به جز ۵ یا ۶ ماده بقیه مواد و

مهدی بهشتی پور (روزنامه نگار):

در قانون فعلی مطبوعات نه فقط امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تأمین نشده، بلکه آنان را در برابر تصمیمهای مقامهای مختلف دولتی و حتی افراد غیرمسئول بی‌دفاع گذارده است. در حالی که آن تصمیمها با "آزادی مطبوعات" تعارض آشکار و تناقض دارند، و هیچ مرجع صلاحیت‌داری برای رسیدگی به شکایت روزنامه‌نگاران علیه آن مقامها معین نشده است. گفتن دارد که در مورد روابط بین مسؤلان و مدیران مطبوعات، با هیأت‌های تحریری و اداری و فنی به قانونی جز قانون مطبوعات نیاز است و حل و فصل شکایتهای این دو گروه از یکدیگر را باید به قانون دیگری واگذار تا امنیت شغلی هر دو گروه تأمین و تضمین شود».

منصور سعدی (دبیر سرویس شهرستاها، روزنامه کیهان):

«در قانون مطبوعات وظایف و محدودیتهای مدیران مسؤل نشریات تا حدی مشخص شده اما به حدود و مرزهای فعالیت روزنامه‌نگاران و خبرنگاران اشاره‌ای نشده است. تعیین ضابطه برای ارتباط بین نویسندگان و خبرنگاران با مدیران نشریات از یکسو و ارتباط خبرنگاران با حوزه‌های خبری از سوی دیگر و قانونمند کردن این ضوابط می‌تواند اطمینان خاطر و امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را تأمین کند».

مصطفی حقدوست (عضو تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی):

«سخن گفتن از امنیت حرفه‌ای بدون در نظر داشتن امنیت کلی جامعه کار درستی نیست، اگر جامعه‌ای در کلان و اجزای عمومی دارای امنیت باشد، نگرانی از امنیت حرفه نمی‌تواند یک نگرانی عمده‌ای باشد.

به نظر من اکنون در جامعه اسلامی امنیت در بُعد کلان کاملاً مشهود است و در اجزا با اعمال سلاقی برخی از دست‌اندرکاران و یا گروهها دچار خدشه گردیده است.

به‌طور مثال اگر وظیفه یک روزنامه‌نگار آگاهی دادن به مردم در خصوص وقایع است، وظیفه یک مأمور حراست حفظ و نگهداری اسرار و احاطه به اوضاع است. پس اگر یک روزنامه‌نگار به وظایف خود و مسؤلیت دیگران محاط باشد هرگز به سمتی نخواهد



– خبرنگار در صورت کنجکاری ذاتی ممکن است به بعضی مسائل در یک خبر و یا حادثه پی‌برد ولی به دلیل عدم حمایت، تنها آن را در حافظه خود نگه می‌دارد و یا به افراد نزدیک و صمیمی خود می‌گوید (پرسشنامه شماره ۵۷).

در جمع‌بندی این گفته‌ها نیز می‌توان سایه ترس را دید».

دکتر محسنیان‌واد، می‌گوید که: در واقع روزنامه‌نگار یک زمینه فرهنگی برای خودسانسوری دارد. او به قانون مطبوعات به عنوان بخشی از هنجارها اشاره می‌کند. اکنون نظر برخی از روزنامه‌نگاران را در پاسخ به سؤال: «آیا فکر می‌کنید در قانون مطبوعات امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران تأمین شده است» می‌خوانیم:

اشرف گرامی‌زادگان (مدیر مسؤل زن‌روز):

جز در ماده ۴ که اشاره‌ای مختصر به اعمال فشار جهت چاپ مطلب و یا مقاله از طرف مقامات شده است و این عمل را خلاف شمرده و در واقع به نحوی به امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران توجه کرده است، ویژگی خاصی برای آنان در این قانون منظور نشده است. بی‌شک تشکلی صنفی مثل تشکیلات صنفی وکلا می‌تواند به این امنیت از ابعاد مختلف توجه کند.

یکی از مسواری که متأسفانه امنیت روزنامه‌نگاران را به خطر می‌اندازد نحوه برخورد آرا و افکار در جامعه است که باید به آن توجه کرد و تبعات آن را به مسؤلان گوشزد نمود.

خود با طرح اینکه ژاک موسو ریسه خودسانسوری را ترس می‌داند و آثاری از این ترس در میان نوشته‌های خبرنگاران نیز به چشم می‌خورد، به نتیجه یک‌نظر سنجی اشاره می‌کند: «۲۷ درصد از نمونه ۱۱۸ روزنامه‌نگار موردبررسی در سال ۱۳۶۴ بزرگترین علت پایین‌بودن سطح خبرهای کشف شده را در مطبوعات، نگرانی خبرنگار از عواقب انتشار چنین خبرهایی ذکر کرده‌اند. آنها با جملاتی مشابه جملات زیر، این نگرانی را توضیح داده‌اند:

– پاره‌ای معذورات (پرسشنامه شماره ۴۹):

– نبود امنیت شغلی (پرسشنامه شماره ۲۸):

– ترس از ادامه پیگیری خبر (پرسشنامه شماره ۲۴):

– عواقب و پیامدهای بعدی (پرسشنامه شماره ۵۷):

– ایجاد دردسر برای خبرنگار، امید نداشتن به پشتیبانی سازمان در دفاع از حق خبرنگار (پرسشنامه شماره ۱۳):

– ناامنی شغلی خبرنگار، در صورت بروز هرگونه مسأله ناشی از کشف خبر و درگیریهایی احتمالی با کسانی که به نحوی با این اخبار مربوط هستند (پرسشنامه شماره ۴۲):

– نداشتن وکیل مدافع در مواقع ضروری برای دفاع از حیثیت خبرنگار (پرسشنامه شماره ۱۰۰):

– دنبال دردسر نرفتن و از همه مهمتر هراس از تکذیب‌نامه‌ها (پرسشنامه شماره ۵۱):

تبصره‌ها بیشتر درباره محدودیتهای قانونی هستند. پیشنهاد می‌شود که مواد و یا فصل جدیدی تحت همین عنوان «امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران» در قانون مطبوعات مدنظر قرار بگیرد.

۳. فکر نمی‌کنید که در قانون مطبوعات وجود تضمینی برای دادن اطلاعات لازم از سوی مسئولان و مراکز مختلف به روزنامه‌نگاران ضروری است؟

دقیقاً با سؤال شما موافق هستم. در شرایطی که در سراسر جهان بیماران اطلاعاتی وجود دارد و در موقعیتی که طی چند دقیقه حتی یک دقیقه پس از وقوع خبری در آن سوی جهان مردم کشورمان از طریق امکانات پیشرفته ارتباطی در جریان آن قرار می‌گیرند عدم ارائه سریع اطلاعات به وسیله مطبوعات کشور و وجود موانع زیاد برای آن در واقع از ضعفهای اساسی مطبوعات محسوب می‌شود. گفتمی است که از دیدگاه برخی از مسئولان که در بالاترین رده‌های سازمانی قرار دارند معنا و مفهوم «اطلاعات محرمانه» از «غیرمحرمانه» مشخص نیست. البته این مورد را بخش ششم ماده ۶ قانون مطبوعات به طور دقیق مشخص کرده است و آن این است که «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحقاقات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی» جزو اطلاعات محرمانه محسوب می‌شوند که نباید در مطبوعات انتشار یابند. بدیهی است که اخبار داخلی و یا عمومی فلان سازمان اقتصادی، خدماتی و یا فرهنگی و... جزو اخبار محرمانه سیاسی و نظامی نیستند ولی هیچ‌گونه تضمینی هم برای ارائه این خبرها در مطبوعات وجود ندارد. با توجه به این مسأله می‌توان تبصره و یا ماده‌ای به قانون مطبوعات اضافه کرد که اخبار و رویدادهای داخلی و عادی و روزمره سازمانها و همین طور انعامات نارساییهایی که بسیاری از سازمانها و مؤسسات در عملکرد خود با آنها مواجهند، در مطبوعات جزو «اسرار و اسناد محرمانه» به حساب نیاید. در قانون مطبوعات این موضوع باید به صراحت مورد تأکید قرار

گیرد که مسئولان مراکز مختلف حتماً باید اطلاعات غیرمحرمانه را برای آگاهی قشرهای مختلف اجتماع در اختیار مطبوعات قرار دهند. دادن اطلاعات صحیح و درست مسلماً از انتشار شایعات بی‌اساس و هوجوی‌گریهای بلندگوهای بیگانه جلوگیری می‌کند و طبیعی است که قانون مطبوعات دادن چنین اطلاعاتی را از طریق نشریات به مردم باید تضمین کند.

۴. به نظر شما برای تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران در قانون مطبوعات چه تمهیداتی باید اندیشید؟

نظام صنفی و حرفه‌ای خاص روزنامه‌نگاران یکی از نیازهای فوری و اساسی این قشر زحمتکش جامعه است. هم اکنون با وجود اینکه قانون مطبوعات برخی از اصول را در ارتباط با فعالیت روزنامه‌نگاری مشخص کرده است ولی این اصلها به قدری کلی و استزاعی هستند که به هیچ وجه ویژگیها و خصصتهای اساسی کار روزنامه‌نگاری را مشخص نمی‌کند. اساساً نمی‌توان نظام صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را بر مبنای قانون مطبوعات بررسی کرد زیرا که قانون مطبوعات بیشتر به محدودیتهای قانونی و جرایم روزنامه‌نگاری اختصاص دارد در حالی که نظام صنفی دقیقاً شبیه قانون و یا آیین‌نامه‌ای است که اساس و ارکان و بنایه‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را به عنوان یک شغل مستقل و غیروابسته در جامعه آشکار می‌کند. در این مورد می‌توان مثال زد که فزناً پزشکان در جامعه ما بر اساس نظام حرفه‌ای و صنفی خاصی فعالیت می‌کنند که همانا ضوابط و چارچوب «نظام پزشکی» است و هیچ تائبده‌ای نمی‌تواند خارج از این مقررات، مشکلاتی را از لحاظ حرفه‌ای برای پزشکان به وجود بیاورد. روزنامه‌نگاران نیز دقیقاً دارای حرفه‌ای هستند که باید نظام و مقررات صنفی خاص خود را داشته باشند. در واقع تدوین نظام حرفه‌ای «روزنامه‌نگاری» از جمله مقولاتی است که باید در خارج از چارچوب قانون مطبوعات صورت گیرد و این نظام باید اساساً به عنوان یک طرح و یا لایحه جداگانه تقدیم مجلس شورای اسلامی شود. البته تدوین طرح قانونی «نظام صنفی روزنامه‌نگاران» حتماً باید به وسیله خود

رفت که با تجاوز به حقوق دیگران احساس ناامنی کند.

اما از آنجا که حرفه روزنامه‌نگاری دارای ویژگیهای خاص خود است و در صورت معرفی نشدن و نداشتن مرزهای مشخص و روشن می‌تواند در جامعه مشکلاتی را پدید آورد، بهتر است که قانون مطبوعات ضمن معرفی این حرفه، مرزهای مشخص آن را هم ترسیم نماید و در نهایت همه را وادار به تبعیت از قانون کند.

غلامحسین صالحیار (عضو تحریریه روزنامه اطلاعات):

امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگار به سندیکای روزنامه‌نگاران مربوط است نه به قانون مطبوعات.

رضا خسروی (دبیر سرویس گزارش روزنامه همشهری):

در قانون کنونی مطبوعات، امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در سایه قرار گرفته است و این امر زمینه را به روی رشد کارمندان تحریری به جای روزنامه‌نگاران حرفه‌ای باز می‌گذارد. در روزگاری که بیشتر مطبوعات ما را، غیرحرفه‌ایها می‌گردانند و همانها، با ایجاد تبعیض بین کارکنان مطبوعات، پیوسته بحران می‌آفرینند، امنیت حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران یک نیاز حیاتی است.

تضمین قانونی کسب اطلاعات

ماده ۵ قانون مطبوعات تصریح می‌کند که: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به

منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است»، و به این ترتیب می‌بینیم که قانون، کسب اطلاعات را حق قانونی مطبوعات می‌داند ولی واقعاً چه تضمینی برای احقاق یا تحقق چنین حقی در قانون پیش‌بینی شده است؟ روزنامه‌نگاران روزانه، بارها و بارها، با بعضی از مسؤولان و دست‌اندرکاران برخورد می‌کنند که حاضر نیستند ساده‌ترین اطلاعات را در زمان مورد نیاز به مطبوعات بدهند. در بعضی از مراکز برای اداره روابط عمومی عالماً و عامداً افرادی انتخاب می‌شوند که ویژگی اصلی آنها ممانعت از دادن اطلاعات لازم به مراکز خبردهی و سنگ‌اندازی در راه کسب اطلاعات است.

گرچه مطبوعات و رسانه‌های دیگر، خود ابزارهایی برای کسب اطلاعات لازم را دارند، اما متأسفانه هیچ‌گونه ضمانت قانونی برای پشتیبانی از این مسأله وجود ندارد. مهدی بهشتی‌پور در این زمینه می‌گوید:

«متأسفانه خبرنگاران و گزارشگران کمتر به منابع اصلی خبر دسترسی دارند، آنچه در روزنامه‌های خبری به عنوان اخبار داخلی و خسارچی چاپ می‌شود غالباً از بولتن‌های خبرگزاری دولتی است و یا روابط عمومی‌ها فقط اخبار و مطالب مورد نظرشان را در اختیار مطبوعات می‌گذارند. از همین‌روست که بسیار اتفاق می‌افتد که نه تنها مطالب ستون‌ها و صفحات آنها یک شکل و یک‌ساخت به نظر می‌آید، گاهی تیترها و عناوین صفحه اول چندین روزنامه صبح و عصر هم مشابه از آب در می‌آید. ضروری است که روزنامه‌نگاران اعم از مدیران مسؤول، دارندگان نشریه‌های منظم‌الانتشار یا سردبیران و خبرنگاران و دیگر اعضای تحریری این‌گونه نشریه‌ها از کلیه اطلاعات دست‌اول مربوط به تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در کشور بی‌موقع آگاه شوند تا در صورت تشخیص خودشان نه تنها براساس مشی سیاسی و مطبوعاتی خود، اقدام به نشر آنها کنند، بلکه امکان داشته باشند که نظرات تفریظی یا انتقادی خود را آزادانه چاپ و منتشر نمایند و هرگاه در هر زمینه‌ای به خلافی قانونی یا نقص و ایرادی در مصوبات قوای مقننه، مجریه و قضاییه برخوردند، در کمال امانت و صداقت به افشای آنها بپردازند و خواستار رسیدگی عاجل مقامهای صالح قانونی شوند. برای آنکه تضمین جهت دسترسی

مصطفی حدوست، عضو تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی: نقیصه قانون فعلی به‌خاطر دوربودن دست‌اندرکاران تدوین قانون از واقعیت‌ها حاصل شده است و متأسفانه مجدداً می‌بینیم که همچنان براین نکته اصرار می‌شود که متولیان امور، خارج از جامعه مطبوعاتی حاضر و یا حداقل از جامعه مطبوعاتی دیروز و کلاسیک باشند!

مهدی بهشتی‌پور: بازبینی قانون مطبوعات اگر منحصر به برخی اصلاحهای جزئی یا عبارتی باشد به هیچ‌وجه وافی به مقصود نخواهد بود.

یکی از پدیده‌هایی که در سالهای اخیر بسیار شایع شده است، گرفتن انواع و اقسام معرفتی‌نامه‌ها و تعهدها و مانند اینها از خبرنگاران است. البته خوشبختانه این پدیده همه‌گیر نشده است ولی در همین حد نیز این نوع کاغذبازیه‌ها که اصولاً با روحیه حرفه‌ای خبرنگاران و شرایط حرفه‌ای روزنامه‌نگاری همخوانی ندارد، مانع انجام سریع کارهای مطبوعاتی است. در حقیقت می‌توان گفت که کارت خبرنگاری در بسیاری از موارد اصلاً کارساز نیست و به همراه آن باید یک معرفتی‌نامه ویژه ارائه کرد و گاهی روزنامه‌نگاران برای تهیه یک گزارش یا کسب خبر از یک مسؤول باید روزها نامه‌های مختلف را از این اتاق به آن اتاق ببرند و یا روزها منتظر پاسخ بمانند.

اشرف گرامی‌زادگان، درباره ضرورت وجود تضمینی در قانون مطبوعات برای دادن اطلاعات لازم به خبرنگاران می‌گوید: «ضرورت تبادل اطلاعات و خصوصاً کسب آن به منظور درج از طرف روزنامه‌نگاران محرز است ولی متأسفانه شاهدیم که همکاری از طرف مراکز و روابط عمومی‌ها آن‌گونه که شایسته است صورت نمی‌گیرد و حتی گاه خبرنگار با مشکلات دیگری مواجه است. از جمله بعضی از مراکز هنگام مراجعه خبرنگار برای تهیه خبر و یا گزارش و مصاحبه تعهدنامه‌ای را پیش روی او می‌گذارند و تا آن را امضاء نکنند مجوز برای مراجعه به محلها و یا اشخاص موردنظر به او داده نمی‌شود - ظاهراً این تعهدنامه هیچ‌وجه غیرقانونی هم ندارد - ولی سدی برای جلوی کار سریع مطبوعات به‌وجود می‌آورد. روشن است که اشاعه تعهدگیری تبعاتی دارد که در درجه نخست اگر

روزنامه‌نگاران به اطلاعات فوق‌الذکر وجود داشته باشد، لازم است که در هر یک از سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و همچنین در سازمانهای مقننه و قضاییه پیوسته یک سخنگویی مجاز نزدیک به عالی‌ترین مقام این سازمانها در دسترس روزنامه‌نگاران باشد تا بتواند به‌طور رسمی و علنی به پرسشهای کتبی یا شفاهی روزنامه‌نگاران پاسخ درست بدهد و آنان را در جریان فعالیتها و تصمیمهای سازمان متبوع خود بگذارد. در غیراین‌صورت هرگاه نوشته‌ای راجع به این‌گونه فعالیتها و تصمیمها که از هر طریق دیگر کسب شده باشد، در نشریه‌ای چاپ شود ولو آنکه حاوی تمام واقعیت نباشد، از هیچ روی نباید خلاف به‌شمار آید، البته سازمان مربوط یا سخنگوی رسمی آن باید هرچه زودتر حقیقت فعالیتها و تصمیمها را در اختیار آن نشریه بگذارد و نشریه مذکور موظف به چاپ و نشر آن در نزدیکترین زمان ممکن است که در صورت خودداری، می‌توان علیه مدیر مسؤول آن نشریه اعلام جرم کرد تا در یک دادگاه صالح مورد رسیدگی قرار گیرد.

این جریان دوسویه خود تضمینی است برای آنکه مقامهای مختلف در قوای ثلاثه، روزنامه‌نگاران و به‌وسیله آنان افکار عمومی را همواره از فعالیتها و تصمیمهای خود آگاه کنند. مصطفی حدوست، از روزنامه‌جمهوری اسلامی، معتقد است که: «جامعه مطبوعاتی در نهایت درگیر با تمام قشرهای جامعه است مشخص شدن مرزهای عملیاتی این شغل و قبول و اجرای قانون ازسوی مقامات عالی جامعه می‌تواند ضامن اجرایی برای سهولت در کار باشد».

خبرنگار حاضر به دادن تعهد نشود غیر از آنکه مردم از کسب اطلاعات در آن حوزه محروم می‌شوند، به‌مرور موضوعها حول آن محور نیز حذف می‌گردند و در درجه دوم این روند به سایر مراکز نیز تسری می‌یابد که آن وقت دیگر چه رسانه‌ای باقی می‌ماند؟ جای تأسف است.»

رضا خسروی، در باب «گریز مؤولان از خبرنگاران» می‌گوید: «در پرسش سوم، دغدغه خاطر بر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای سایه افکنده است: مؤولان، از خبرنگارها می‌گریزند و روابط عمومی‌ها - بیشترشان - پیوسته در فرایند انتقال یافته‌ها و اطلاعات خبری وقفه ایجاد می‌کنند. چه باید کرد؟

نگارنده همواره به یک بانک و شبکه کارآمد اطلاعاتی می‌اندیشد: روابط عمومی‌ها و مدیران بخشها باید هرروز، نتایج فعالیت - و هرچندگاه یک بار - برنامه‌های اتی مؤسسه خود را به بانکهای اطلاعاتی تزریق کنند و این اطلاعات، به‌آسانی روی صفحه کامپیوترها ظاهر شوند.

اما پیش از پی‌ریزی چنین مؤسسه‌ای، باید برای کارتهای خبرنگاری اهمیت قابل شوم و درهای بسته را به روی آنان بگشاییم تا جریان آزاد اطلاع‌رسانی برقرار شود.»

ناگفته نماند که بعضی از روزنامه‌نگاران نیز معتقدند که روزنامه‌نگار باید هر خبر و مطلبی را که لازم باشد، شخصاً به‌دست بیاورد و راهش را هم خودش پیدا کند. اما به‌نظر می‌رسد که سعی و تلاش فردی روزنامه‌نگار با ضمانتهای قانونی و فرهنگی می‌تواند سریعتر نتیجه دهد.

منصور سعدی، در این‌باره می‌گوید: «در ماده ۵ قانون مطبوعات بر کسب و انتشار اخبار به عنوان حق قانونی مطبوعات، و به عبارتی خبرنگاران، تصریح شده است. اما قانون هیچ نهاد و شخصی را ملزم به ارائه اطلاعات و اخبار مورد لزوم مطبوعات نکرده است. در حال حاضر حتی برخی از روابط عمومیها علی‌رغم فلسفه وجودیشان که ارتباط با خبرنگاران و ارائه اطلاعات و اخبار است از این کار خودداری می‌کنند و گاه پا را فراتر می‌گذارند و مانع فعالیت خبرنگاران می‌شوند. اصولاً صرف وجود قانون در این زمینه کافی نیست. باید گرایش عمومی به‌ویژه در بین مؤولان و کسانی که به اطلاعات دسترسی دارند به این سو سوق پیدا کند که اطلاعات و دانسته‌های خود را از طریق خبرنگاران و

روزنامه‌نگاران صاحب تجربه و صاحب قلم با همکاری استادان ارتباطات و متخصصان و صاحب‌نظران این رشته انجام شود. اگر ما نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران را به قانون مطبوعات ملحق کنیم متأسفانه به جای اینکه به نیازهای اساسی جامعه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری پاسخ داده شود باز هم سخن از محدودیتها و جرایم خواهد رفت.

۵. جرم مطبوعاتی از دید شما چگونه جرمی است؟

جرم مطبوعاتی جرمی است که در آن سخنان یاوه و ناروا و همچنین اطلاعات غلط و نادرست (براساس اهداف معرضانه سیاسی) به روزنامه‌های داده شود و این اطلاعات تحریف شده و نادرست در آن روزنامه درج گردد. به‌طور کلی مقوله‌ای در روزنامه‌نگاری تخصصی قابل بحث است و آن مسأله «عینیت و یا اصل بی‌طرفی خبر» است. توجه به عینیت و بی‌طرفی در ارائه اخبار و رویدادها دقیقاً صحت و سلامت خبر چاپ شده در روزنامه را ثابت می‌کند و هرگونه تخطی در این زمینه و

همین‌طور وارونه جلوه دادن واقعیتها در واقع نوعی جرم مطبوعاتی است که طبیعتاً مجازاتهایی برای آن در نظر گرفته می‌شود. اگر روزنامه و یا نشریه‌ای و یا خبرنگاری در جهت کشف حقایق و دادن اطلاعات لازم به مردم دست به تحقیق و انشاگری بزند و با ارائه آمار و دلایل مستند حقایق ناگفته‌ای را برای خوانندگان افشا کند، به اعتقاد من این روزنامه‌نگار و یا خبرنگار نه تنها هیچ جرمی مرتکب نشده بلکه دقیقاً رسالت و وظایف روزنامه‌نگاری خود را به انجام رسانده است.

۶. اگر خارج از چارچوبهای مطرح شده، ناگفته‌ای مانده است، مطرح کنید؟

اگر صحبت بر سر بازرسی و تجدید نظر در قانون مطبوعات است این بازرسی نباید به جابه‌جایی و تغییر یک یا دو کلمه بینجامد، بلکه حقوقدانان و صاحب‌نظرانی که قانون را مورد تجدید نظر قرار می‌دهند باید مرور کلی بر این قانون کرده و نارساییهای اساسی آن را مدنظر قرار دهند و رفع کنند.

برخورد فرهنگی، آری اعمال قدرت سلیقه‌ای، هرگز

مسعود مهرابی، مدیر مسئول ماهنامه فیلم

۱. به اعتقاد شما در بازرسی " قانون مطبوعات" در مجموع چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند؟

هرچند که مطبوعات به عنوان یکی از مهمترین و حساسترین نهادهای جامعه، نیاز به تعیین چارچوبی برای فعالیت دارند که موازنه‌ای منطقی میان حقوق آنان و حقوق حاکمیت و جامعه برقرار کند، اما در قانون

مطبوعات، حتی از نظر حجم و شکل نیز چنین موازنه‌ای دیده نمی‌شود. در حدود ۸۰ درصد از مواد و واژه‌های این قانون، تعریف و تشریح " نکن" ها، " محدودده" ها، " ممنوعه" ها، " جرایم" و " مجازات" هاست. تعیین این حدود، لازمه و ضرورت چنین قانونی است؛ اما جایگاه موادی که گستره و حقوق مطبوعات را تعیین و تثبیت کند و از آن دفاع نماید کجاست؟

۲. آیا فکر می‌کنید که در قانون

مطبوعات انتشار دهند و موجب افزایش آگاهیهای جامعه شوند. برای رسیدن به این مقصود شاید راهی طولانی در پیش باشد اما خوشبختانه سیر جهشی ارتباطات در دهه‌های اخیر و اشاعه سریع فرهنگ ارتباطات در جامعه دستیابی به این هدف را آسانتر کرده است».

نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران

تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران از بحث‌انگیزترین مسائلی است که روزنامه‌نگاران به آن می‌پردازند و امیدوارند که در بازنگری قانون مطبوعات به این مسأله توجه شود. اغلب روزنامه‌نگاران تشکیل این نظام صنفی را حلال بسیاری از مشکلات موجود می‌دانند و معتقدند که در صورت تحقق این امر می‌توان از طریق به بحث گذاشتن مشکلات مبتلا به جامعه مطبوعات، برای آنها راههای اصولی یافت. روزنامه‌نگاران چنین نظامی را حامی خود می‌دانند و البته عده‌ای نیز معتقدند که تشکیل چنین نظامی مربوط به خود روزنامه‌نگاران است و دولت نباید هیچ مداخله‌ای در آن داشته باشد. کارشناسان حقوقی مطبوعاتی می‌گویند که از آغاز قانونگزاری تا به امروز، در هیچ‌یک از قوانین و مقررات مطبوعاتی تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران مورد توجه واقع نشده است.

براساس ماده یک قانون نظام صنفی (مصوب سال ۱۳۵۹) «نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان، وظایف، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می‌کند». اما این

ماده تبصره‌ای دارد که روزنامه‌نگاران را از شمول این قانون خارج می‌کند به این ترتیب که: «صنوفی که دارای قانون و مقررات خاص هستند از قبیل پزشکان، وکلای دادگستری، روزنامه‌نگاران، صاحبان دفاتر اسناد رسمی از شمول این قانون مستثنی می‌باشند».

جالب اینجاست که «در قوانین و مقررات خاص هر یک از صنوف - به استثنای روزنامه‌نگاران - برای پاسداری از منافع اعضاء و تأمین نیازهای حقوقی و حرفه‌ای آنها تشکیلات صنفی خاصی پیش‌بینی شده است، [اما] قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ چنین تشکیلاتی را برای مدیران، نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات منظور نداشته است و این از نقایص مهم و آشکار قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن است».

نظرات بعضی از روزنامه‌نگاران در پاسخ به این سؤال که: «برای تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران، در قانون مطبوعات چه تمهیداتی باید اندیشید؟»، به این شرح است:

مصطفی حقدوست:

«تشکیل در جامعه ما تنها در چارچوب قانون مطبوعات امکان‌پذیر نیست، چرا که اصولاً اطلاق صنف به شغل روزنامه‌نگاری را درست نمی‌دانم. تأثیر حرکت‌های سیاسی، جهت‌گیریهای اقتصادی و اوضاع اجتماعی جامعه هر کدام به نحوی ارتباط مستقیم با حرفه روزنامه‌نگاری دارد، لذا هر تشکیلی در این جامعه مازرای قانون مطبوعات است، پس بهترین راه می‌تواند پرداخت به امور فقط صنفی (حقوق و مزایا) با معرفی خاص و

روشن آن باشد. و یا حداقل اعلام هماهنگی با دیگر مراکز جامعه برای یک تشکیلات تمام عیار در بُعد سیاسی - اجتماعی که در برگیرنده مسائل صنفی نیز باشد. در این صورت پیش‌بینی سلامت این تشکیلات بسیار مهم و ضروری است».

اشرف گرامی‌زادگان:

«تشکیل نظام صنفی ضرورت دارد. راه دریافت همه‌گونه نظرات، اعلام عمومی است و سپس گزینش بهترین نظرات».

منصور معدی:

«برای تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران هم‌اکنون منع قانونی وجود ندارد و روزنامه‌نگاران می‌توانند مانند سایر مشاغل، تقاضای تشکیل مجمع صنفی بکنند. مسؤولان ذربط نیز بارها بر تأسیس چنین تشکیلاتی تأکید کرده‌اند و قول مساعدت داده‌اند. همکاران مطبوعاتی هم در موارد مختلف، که ایجاب می‌کرده، نشان داده‌اند که صنفی منسجم و متحد هستند و در مورد مسائل حرفه‌ای حساسیت لازم و وحدت نظر دارند. یکی از نمونه‌های بارز آن تشکیل در جشنواره مطبوعات و حضور همکاران مطبوعاتی در این جشنواره‌هاست. حال اگر تاکنون اقدامی برای تشکیل مجمع صنفی به عمل نیامده، شاید یکی از دلایل آن مشغله زیاد خاص این حرفه است که فرصت را از همکاران مطبوعاتی گرفته است. بنابراین در بازنگری قانون مطبوعات چنانچه ماده یا تبصره‌ای به این منظور تدوین شود، بی‌تردید مورد استقبال روزنامه‌نگاران قرار خواهد گرفت».

رضا خسروی:

«به نظر من لزومی ندارد که به «تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران» بپردازیم. چرا که «سندی‌کای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» از پنجم مهر سال ۱۳۴۱ پی‌ریزی شده است.

باید همین سندی‌کا را که رهبری اعتصاب عمومی مطبوعات را هم در رژیم گذشته برعهده داشته تقویت کنیم و در قانون جدید مطبوعات، جایگاه واقعی آن را مشخص سازیم».



مهدی بهشتی پور:

«نظام صنفی خاص روزنامه نگاران، در مرحله نخست نظامی است سیاسی - حرفه‌ای که دربرگیرنده تشکلهای روزنامه نگاری یا روزنامه نگاران همه نشریه‌های منظم‌الانتشار و مستقل از قوای مقتند و اجراییه و قضاییه با خط مشی‌های سیاسی مختلف هستند. هدف اصلی این نظام عبارت است از نظم بخشیدن به چاپ و نشر آزادانه فعالیتها و تصمیمهای سازمانها و مقامهای مختلف مملکتی و احقاق حق روزنامه نگاران بر مبنای آزادی نشر و خیر و اشاعه افکار و نظرات مردم به طور عام و افکار و نظرات مدیران و هیأت‌های تحریری هر نشریه به طور خاص.

بدین است که سازمانی با این هدف اصلی، نیازمند قانونی است برای تسجیل موقع و اعتبار قانونی آن و برای تسهیل در وصول بدین هدف اصلی. چنین قانونی باید به طور کلی متکی باشد بر این پایه انتشاراتی که مطبوعات مستقل از سازمانهای مملکتی نماینده افکار عمومی و زبان گویای گروههای اعتقادی، سیاسی و فکری مختلف ملت هستند و وظیفه دارند که نظرات همه این گروهها را بر اساس خط مشی اظهار شده خود با هزینه مدیران و خوانندگان خود اشاعه دهند و همگان را از حقایق امور مملکتی آگاه کنند. در این صورت و بر این پایه است که وجود یک قانون نظام مطبوعاتی ضرورت می‌یابد و همراه با آن به وجود قانونی نیاز است که جرایم مطبوعاتی را به نحو روشنی تعریف کند و نحوه اعلام جرم و رسیدگی بدین اعلام جرمها را در دادگاههای خاص و با حضور هیأت منصفه مطبوعاتی و نیز میزان مجازات هر جرم

مطبوعات امنیت حرفه‌ای روزنامه نگاران تأمین شده است؟

به جز فصل سوم قانون مطبوعات - حقوق مطبوعات - که دارای سه ماده (۳، ۴ و ۵) است و در آنها تا اندازه‌ای جانب مطبوعات گرفته شده است. برای بقیه مواد - در واقع - همان عنوان "حدود" زیننده‌تر است! زیرا باز هم شرح "ممنوعه" هاست. سه ماده یادشده، به عنوان تنها مواد این قانون که حقوقی برای مطبوعات قائل است. تاکنون نقطه امید و اتکای مطبوعات (به غیر از ماده ۳۳ که به هیأت منصفه اشاره دارد) بوده است. و چه خوب است که در بازبینی قانون مطبوعات، در زیر فصل «حقوق مطبوعات»، مواد دیگری هم تصویب شود که ضامن اجرای رسالتی باشد که در فصل دوم (رسالت مطبوعات) تشریح شده است. به بیان دیگر، به همان اندازه که قانون در مقابل بی‌دقتی احتمالی یک رسانه یا یک روزنامه نگار در انتشار مسائل محرمانه به نفع مصالح عمومی کشور سختگیر است، آیا کوشیده است که به همان اندازه در برابر پنهان کردن احتمالی خبرها و آمار غیرمحرمانه به وسیله یک دستگاه، یا یک مقام دولتی به نفع مصالح عمومی کشور سختگیر باشد؟ در همه جا روحیه زاداری در برابر مطبوعات به شدت چیره است. چیرگی تا آن حد است که برای بسیاری از دستگاههای دولتی باید مفهوم اسرار دولتی را از بر معنی کرد. برای برخی از آنها باید روشن شود که هرچه در کشوری میر یک کارمند دولت است لزوماً «سر» دولتی نیست.

بر اساس ماده ۳: «مطبوعات حق دارند مستطرات، استقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند». و ماده ۵ می‌گوید: «انتشار و کسب خبرهای داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است». قبل از آنکه به چگونگی «انتقاد سازنده» و معیارهای آن اشاره شود، باید یادآوری شود که واژه کشدار «مصلح جامعه» به همین شکل کلی و تفسیرپذیر در این قانون رها شده است: به این ترتیب، تفسیر این واژه و عمل به آن، به افراد سپرده شده است. به عنوان مثال: می‌شود روزنامه‌ای را هر چند ماه یکبار

به دست افراد مختلفی سپرد، خواهیم دید که "در عمل"، واژه‌ها و مصطلحات قانونی و اصول کلی نظیر همین "مصلح" واقعی و اساسی را چگونه متفاوت و حتی گاه متضاد با یکدیگر معنی کرده و پیاده خواهند کرد. و به تبع آن، مخاطبان مطبوعات و مسؤولان نیز می‌توانند با برداشتهای متفاوتشان از "مصلح جامعه"، توقعهای متفاوتی از مطبوعات داشته باشند.

و اما واژه کشدار و پرتفسیر "انتقاد سازنده" که در ماده سوم، از جمله حقوق مطبوعات شمرده شده، واژه‌ای است که فراوان شنیده شده و هیچگاه معنی نشده است. خوشبختانه در این قانون، برای نخستین بار، "انتقاد سازنده" در بصره همین ماده معنی هم شده: اما همچنان بحث‌انگیز است: «انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطقی و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد». نکته اساسی این است که شاید در مطبوعات عمومی و علمی "انتقاد" واژه سر راست و مشخص باشد، اما در مطبوعات فرهنگی، مسانند مجله فیلم، تکلیف چیست و "انتقاد هنری" چگونه معنا می‌شود؟ یا "انتقاد هنری"، متفاوت است یا، مثلاً، انتقاد از اداره راه یک استان.

در همین بصره، واژه "تحقیر" بیشتر یک احساس است تا یک موضوع مشخص و اثبات‌پذیر. صاحب یک اثر در برخورد با یک نقد ممکن است احساس کند که تحقیر شده است؛ و صاحب اثر دیگری در برخورد با نقدی یا همین لحن و بیان احساس دیگری داشته باشد.

صاحب اثر چگونه می‌تواند در دادگاه ثابت کند که تحقیر شده است؟ نویسنده چگونه می‌تواند ثابت کند که قصدش تحقیر نبوده است؟ و هیأت منصفه بر اساس کدام معیار و معیار می‌تواند در این میان به داور بنشیند؟ متأسفانه، افزودن کلمه "انتقاد" به ماده ۲۲، بیشتر باعث محدودیت است. «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این گونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو

■ اشرف گرامی‌زادگان، مدیرمسئول زن‌روز: در بازبینی قانون مطبوعات باید حدود و ثغور واژه‌های مندرج در آن مشخص شود.

■ منصور سعدی، دبیر سرویس شهرستانهای روزنامه کیهان: در قانون فعلی مطبوعات نه تنها هیچ سخنی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران به میان نیامده بلکه آنها مورد بی‌مهری هم قرار گرفته‌اند.

■ غلامحسین صالحیار، عضو تحریریه روزنامه اطلاعات: اگر این اصل را بپذیریم که مطبوعات با وجود کاربرد وسیع سیاسی آن، فی‌نفسه کاری سیاسی نیست، آن وقت بسیاری از مشکلات آسانتر حل می‌شود و قبل از همه آنکه نگاه به این حرفه با سوءظن نخواهد بود.

■ رضا خسروی، دبیر سرویس گزارش روزنامه همشهری: قانونی که بیشتر ناظر بر «تخلّفات» و «جرایم مطبوعاتی» است و کمتر به حقوق حقّه کارکنان مطبوعات می‌اندیشد، گویی از آغاز، در هاله‌ای از بدبینی و ناباوری رقم خورده است!

خود برای آن مجازاتی پیش‌بینی نکرده باشد. اما آنچه ممکن است تخلف مطبوعاتی به‌شمار رود، از نظر حقوقی در ردیف خلاف یا جنحه کوچک است و همان‌طور که هر صاحب اطلاعاتی در مورد مسائل حقوقی می‌داند، رسیدگی به خلاف و جنحه کوچک در صلاحیت تشکیلات صنفی نظیر نظام، اتحادیه یا سندیکای مربوطه است.

رضا خسروی، ضمن برشمردن بعضی از جرمهای مطبوعاتی از نگاه قانون مطبوعات مثل: «توهین یا افترا، انتشار مطالب خلاف واقع، انتقاد نسبت به شخص، اهانت به رهبر یا شورای رهبری یا مراجع مسلم تقلید، انتشار عکسها، تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس و محاکم دادگستری و...» به نکته دیگری اشاره می‌کند و می‌گوید: «ای کاش سانسور اخبار و رویدادها و محروم گذاشتن مردم از حوادث و رخدادها هم جرم شناخته می‌شد. ای کاش اهانت فلان کارمند دون‌پایه روابط عمومی به خبرنگاران هم جرم شناخته می‌شد. ای کاش...»

اشرف گرامی‌زادگان نیز در پاسخ به سؤال: «جرم مطبوعاتی از دید شما چگونه جرمی است؟» می‌گوید:

الف) توهین و افترا و چاپ مطالب غیرواقع نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی از متهمین جرایم مطبوعاتی است و تأثیر پایدار آن در اذعان مردم نشان از اهمیت این جرم است.

ب) عدم چاپ پاسخ داده شده به نشریه که معمولاً شاهدیم که روزنامه‌نگاران بی‌اری آنکه شخصیت خود را به‌ظاهر تحریب نکنند حاضر نیستند جوابیه مخالف نظر خود را چاپ کنند که این از نظر اخلاقی جای تأسف است.

منصور سعدی می‌گوید: «مواد ۶ و ۷ قانون مطبوعات جرایم مطبوعاتی را مشخص کرده است. اما بد نظر من علاوه بر قانون، از این شغل، زیرا گذاختن تعهد حرفه‌ای نیز جرم است. خبرنگاری که بدون در نظر گرفتن اخلاق و تعهد حرفه‌ای و غیر مسؤولانه، خبری را در جامعه نشر می‌دهد، حتی اگر از نظر قانون نیز مرتکب خلافی نشده باشد، باز هم متهم و گناهکار است.»

مهدی بهشتی‌پور نیز «جرم مطبوعاتی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «جرم مطبوعاتی به‌طور خلاصه و

می‌شود، عدم تعریف روشن "جرم مطبوعاتی" در قانون مطبوعات فعلی است. حمید مقدم‌فر در مقاله «قانون مطبوعات؛ نارساییها و نیازها» می‌نویسد: «در قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴، تعریف جرم مطبوعاتی مسکوت مانده است. فصل ششم این قانون در مورد جرایم ارتكابی به‌وسیله مطبوعات است و درباره ۳۴ قانون مطبوعات هم آمده است که: «به جرایم ارتكابی به‌وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود». البته بیشتر این جرایم در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ و دیگر قوانین نیز آمده‌اند و حتی در موارد متعدد قانون مطبوعات نیز تعیین مجازات را براساس قانون تعزیرات تجویز کرده است. اما اشکال کار در این است که اگر قرار بود که مجازات جرایم مطبوعاتی نیز همان مجازات مقرر شده به‌وسیله قانون تعزیرات باشد، اصلاً تدوین و تصویب قانون مطبوعات لزومی نداشت، زیرا که قانون عام تعزیرات، جرم و مجازات را مشخص می‌کند و بر تمام جرایم اعم از مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی حاکم است»^{۱۷}.

اما غلامحسین صالحیار نظر دیگری دارد. او می‌گوید: «برای انواع جرایمی که ممکن است توسط مطبوعات انجام شود، در قوانین مختلف ما اعم از جنایی، کیفری، دادرسی ارتش، تعزیرات، منکرات و نظایر آنها پیش‌بینی لازم شده است، بنابراین هیچ جرمی وجود ندارد که توسط مطبوعات انجام شود و قانونگذار در یکی از قوانین مختلف

را مشخص کند. در قانون نظام مطبوعاتی یا هر قانون دیگری نمی‌توان چاپ و نشر مطبوعات را مفید به شرایطی کرد که با آزادی بیان و آزادی نشر افکار عمومی مغایرت داشته باشند. بدیهی است که هر صاحب حتی وقتی مرتکب جرمی شود یا به حق دیگران تجاوز کند، باید به موجب قانون در دادگاه صالح محاکمه و مجازات شود. گردانندگان مطبوعات نیز از این قاعده مستثنا نیستند، منتهی این که چون جرم مطبوعاتی از موارد خاص است رسیدگی بدان باید در دادگاه ویژه و با حضور هیأت منصفه انجام گیرد و این موضوعی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

با توجه بدانچه گفته شد در بازبینی قانون فعلی مطبوعات نمی‌توان راجع به نظام مطبوعاتی چیزی افزود. این نظام خود به قانون مستقل نیازمند است. ولی در قانون فعلی مطبوعات بهتر است که تمام موارد حصر و قید را در زمینه نشر مطبوعات منظم‌الانتشار و مستقل از قوای ثلاثه مملکتی حذف کرد و فقط به تعریف جرایم مطبوعاتی و نحوه رسیدگی به اعلام جرمهای مطبوعاتی و میزان مجازات مجرمان مطبوعاتی در صورت ثبوت جرم توسط هیأت منصفه اکتفا کرد.»

تعریف جرم مطبوعاتی

یکی از مواردی که به عنوان خلاء قانونی از سوی برخی از حقوقدانان مطبوعاتی مطرح

شماره‌ای که پس از وصول پاسبخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون با همان حرف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند. به شرط آنکه جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.

قابل شدن حق پاسخگویی به انتقاد (و نه اطلاعات نادرست) در قانون مطبوعات، در نشریات عمومی پیامدهای ناخوشایند داشته است. نراس از سرازیر شدن پاسخهای «دو برابر اصل» (واقعاً چرا دو برابر اصل؟) از سری انتقادشوندگان (که می‌تواند اصلاً مطبوعات را از مسیر وظایفشان بازدارد)، مطبوعات را به خودسانسوری دچار می‌کند. به‌ویژه که انتقاد، بیش از خبررسانی با خطر برداشتهای گوناگون و متضاد روبروست. به تعبیر دیگر و از یک سو، «خودسانسوری» وقتی تحقق پیدا می‌کند که خبری یا مطلبی به دست مطبوعات می‌رسد یا نسبت به آن آگاهی دارند و چاپ آن به راستی هم یا مصالح اساسی و واقعی انقلاب مغایرت سریع و مسلم ندارد، اما با وجود این خود به خود پای یک سلسله شبه مصالح و بندها و برداشتها و وسواسهای در حد افراط و نگرانیهای کاذب به میان می‌آید و مانع کار می‌شود. یعنی دست‌اندرکاران مطبوعاتی، خود از چاپ آن منصرف می‌شوند.

تجربه‌های گسترانقدر پس از انقلاب، نمونه‌های به یاد ماندنی دارند. آیا اتفاق نیفتاده است که یک مقام رسمی به دلیل بی‌لیاقتی (و حتی خیانت) از کار برکنار (و یا حتی محاکمه) شده باشد؟ مورد اتهام که در یک لحظه اتفاق نیفتاده؛ زمینه و سابقه داشته است. اگر یک روزنامه‌نگار تیزهوش از همان ابتدا به این موضوعها اشاره می‌کرد، آیا متهم به تخریب

نمی‌شد؟ آیا فقط مقامهای رسمی آگاهی و توان چنین تشخیصی را دارند؟

ماده ۲ که هدف آن تأمین بخشی از حقوق مطبوعات، به‌ویژه در رابطه با دولت است، چنین می‌گوید: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به بانسور و کنترل نشریات مبادرت کند». این ماده ضروری و دلگرم‌کننده، چه ضمانت اجرایی دارد؟ در حالی که قانون مطبوعات تمامی جرایم جزئی و کلی مطبوعات را برشمرده است و مجازاتهایی از قبیل تعطیل نشریه، جریمه نقدی، تعزیر و حبس در نظر گرفته است، مجازات جرایم دیگران در قبال مطبوعات چیست؟ به‌راستی، طی این چندسالی که از تصویب نهایی قانون مطبوعات گذشته است، چند نفر به جرم اعمال فشار بر مطبوعات محکوم شده‌اند؟ آیا در طی تمام این مدت هیچ مقام دولتی و غیردولتی برای چاپ مطلب یا مقاله به مطبوعات فشار نیاورده است و ایضاً، به بانسور و کنترل نشریات مبادرت نکرده است؟

در پایان، باید به نکته‌ای مهم اشاره کرد: کار مطبوعات یک مقوله فرهنگی است، برخورد با آن هم باید برخورد فرهنگی باشد. برخورد فرهنگی روشنگر، پیش برنده، و آگاهانه و ظریف مجریان با مطبوعات است که می‌تواند آنها را در انجام وظیفه‌شان یاری دهد. هرگونه اعمال قدرت در جهت تحمیل برداشتها و سلیقه‌های شخصی، مطبوعات را به ورق پاره‌هایی بی‌خاصیت تبدیل خواهد کرد که از آنها در خانه‌ها برای شیشه پاک‌کردن و در مغازه‌ها برای بسته‌بندی استفاده خواهد شد.

مقدماتی عبارت است از چاپ و انتشار هر نوشته‌ای در مطبوعات منظم‌الانتشار که افکار عمومی را از واقعیت‌های آنها و تصمیمات مقامهای قانونی مملکتی منحرف کند یا حتی از حقوق مکتسب یا قانونی اشخاص حقیقی یا حقوقی را به عمد مخدوش جلوه دهد و سبب زیان مادی و معنوی هر صاحب حق مکتسب یا قانونی بشود، مگر آنکه آن نوشته منقول از بیان صریح یا مکتوب شخص حقوقی دیگری باشد که در این صورت شخص گوینده یا نویسنده مکتوب مسؤول شناخته می‌شود و در پی اعلام جرم به مقامات قضایی صالح باید به نحوی که در سازمان قضایی معمولی است محاکمه شود».

مصطفی حقدوست، بی‌توجهی به قانون و مقررات حرفه روزنامه‌نگاری را جرم می‌داند. او می‌گوید: «به نظر من هرگونه تخطی از قانون و مقررات در جامعه می‌تواند جرم باشد، پس جرم مطبوعاتی نیز بی‌توجهی به قانون و مقررات این حرفه است.

اما از آنجا که دامنه این حرفه بسیار وسیع و ریزه‌کاریهای آن فراوان و بازده و تأثیر مثبت یا منفی آن در جامعه بسیار مشهود است، شناخت و معرفی جرم مطبوعاتی نیز باید بسیار موشکافانه و دقیق صورت گیرد. و در نهایت به جز مواردی خاص از جمله سوءاستفاده، اختلاس و پرخاشگری که در هر گروه و قشری جرم مشخص و مسلم است، پرداختن به جرم

خبرنگاران در حریم خانه نامحرمند، چرا؟

حمیرا حسینی یگانه، سرویس سیاسی
روزنامه کیهان

۱. به اعتقاد شما در بازبینی «قانون مطبوعات» در مجموع چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرند؟

متأسفانه آنچه در یک دید اجمالی به قانون مطبوعات به دست می‌آید، مجموعه‌ای از نواهی است: بنیادهایی که در بندها و مواد قانونی جای گرفته‌اند و تا حدودی دست‌وپای ارباب جرایم را بسته‌اند. اگر مطبوعات را به عنوان یکی از ارکان اصلی برای رشد و توسعه



باید بدان حد روشن و دقیق باشند که نه ضرورتی برای تفسیر و توجیه پیش آید و نه بتوان تعبیرهای کشداری از آنها کرد. تفسیر مواد قانونی هم باید به واضعین قانون ارجاع شود تا مورد اجرا قرار گیرد.

ب) برای نقض کنندگان این هردو قانون، خاصه ناقضانی که در مطبوعات منظم انتشار مستقل از سازمانهای مملکتی علیه آنها اعلام جرم می‌شود، در قانون جرایم مطبوعاتی باید موادی را گنجانید که حتی المقدور هرچه زودتر بتوان در دادگاهی که همین قانون مقرر می‌کند به آن رسیدگی کرد و به محض اثبات جرم، مجرم را به مجازاتهای معین رساند.

پ) تهیه کنندگان و واضعان هردو قانون لازم است که توجه دقیقی مبذول دارند که مواد قانون طوری تنظیم شود تا در هیچ موردی نتوان اجرای آنها را معوق گذارد یا مجری قانون نتواند به نحو دلخواه آن را اجرا کند. بدین علت باید در قانون مقرر داشت که به محض اعلام جرم هرشاکتی علیه شخص حقیقی و حقوقی که چنین جرمی را مرتکب شود، در کمترین مدت ممکن رسیدگی و اعلام حکم کرد. حتی قاضی یا قاضیهای دادگاههای رسیدگی کننده را در صورتی که مرتکب این جرم شوند باید براساس اعلام جرم مطبوعاتی بتوان در دادگاه انتظامی قضات محاکمه کرد.

ت) در قانون جرایم مطبوعاتی لازم است صریحاً مقرر شود که هیچ شخص حقیقی یا حقوقی جز به حکم دادگاه ویژه مطبوعات حق

مصطفی حدوست، از روزنامه جمهوری اسلامی: اگر وظیفه روزنامه‌نگار آگاهی دادن به مردم است، وظیفه یک مأمور حراست هم حفظ و نگهداری اسرار است پس اگر روزنامه‌نگار به وظایف خود و مسؤولیت دیگران محاط باشد، هرگز به سمتی نخواهد رفت که با تجاوز به حقوق دیگران احساس ناامنی کند.

■ ماده چهار قانون فعلی می‌گوید: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند». این ماده ضروری و دلگرم کننده چه ضمانت اجرایی دارد؟

■ در هر سازمان باید یک سخنگوی نزدیک به عالیترین مقام آن سازمان در دسترس روزنامه‌نگاران باشد تا به پرسشهای آنان پاسخ گوید.

امتیاز از قوه قضاییه و محاکم آن به هیأت نظارت بر مطبوعات سپرده شود، اصل تفکیک قوا در قانون اساسی نیز مخدوش خواهد شد.^{۱۸}

ناگفته‌ها

از روزنامه‌نگارانی که به ما پاسخ گفتند، خواستیم که اگر در خارج از چارچوبهای مطرح شده، ناگفته‌ای مانده است، مطرح کنند. گزارش را با این ناگفته‌ها به پایان می‌بریم با این اطمینان که چه بسیار ناگفته‌ها که باقی مانده‌اند تا مجالی دیگر...

مهدی بهشتی‌پور: «علاوه براین ۵ مورد گفتنی است که:

الف) در قانون نظام مطبوعاتی و نیز در قانون جرایم مطبوعاتی، همه تعاریفها و عبارتها

مطبوعاتی در حیطه کار خبرگان این فن است».

بد نیست که در پایان این بخش به نتایج یک نظر سنجی اشاره کنیم که در زمان برگزاری دومین جشنواره مطبوعات انجام شده است. براساس این نظرسنجی، ۸۴ درصد نمایندگان نشریات مستقر در غرفه‌های مطبوعات، مخالف افزایش قدرت هیأت نظارت در اصلاحیه جدید قانون مطبوعات هستند و از نمایندگان ۵۰ غرفه تنها ۸ نفر (۱۶ درصد) موافق افزایش قدرت هیأت نظارت بر مطبوعات مبنی بر تشخیص جرم مطبوعاتی و صدور حکم تا حد لغو امتیاز بودند. براساس این گزارش در قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیارات قوه قضاییه و قوه مجریه کاملاً از یکدیگر تفکیک شده و در صورتی که حق لغو



توقیف روزنامه‌نگاران یا تعطیل جزئی و کلی مؤسسه‌ها و اداره‌های مطبوعاتی یا جلوگیری از چاپ و نشر هیچ نشریه منظم‌الانتشار را ندارد و مرتکب یا مرتکبین باید در دادگاههای علنی محاکمه و مجازات شوند.

اشرف گرامی‌زادگان:

الف) به گونه‌ای در کشور برنامه‌ریزی و عمل شود که در فرهنگ عمومی جامعه به خبرنگار و رسالت او احترام گذاشته شود، نه آنکه او را خبرچین و جاسوس بشمارند.

ب) در جهت شناخت هنر و هنرمندان اقدامات بیشتری در مطبوعات صورت گیرد.

ج) دولت خود را موظف بداند که در قبال رسالتی که مطبوعات برای بالا بردن رشد و آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم انجام می‌دهند، خدماتی همچون کاغذ و ملزومات در اختیار مطبوعات بگذارد و...

منصور سعدی:

«هم اکنون در نشریات بزرگ از جمله روزنامه‌کیهان که از نزدیک شاهد بوده‌ام، مدیران مسؤول و سردبیران از خبرنگاران در موارد متعدد حمایت کرده‌اند و چنانچه مشکلی در ارتباط با حوزه‌های خبری برای همکاران پیش آمده است، آنان را تنها و بی‌پشتیبان نگذاشته‌اند و حتی به این خاطر بارها به مراجع قضایی نیز احضار شده‌اند نکته قابل تأمل این است که قانون مدونی برای



تأمین شده است؟

متأسفانه یکی از نارساییهای قانون مطبوعات بی‌توجهی جدی به دست‌اندرکاران مطبوعات است. در واقع خبرنگاران دارای امنیت شغلی نیستند. کارت خبرنگاری از کوچکترین ارزش، حتی برای حمل ضبط صوت و دوربین، برخوردار نیست. خبرنگار در رویه‌رو شدن با رویدادها و حوادث ناچار است که منفعل عمل کند، زیرا هیچ پیشنهادی برای خود متصور نیست. اخبار مربوط به دستگیری و جلب و کتک خوردن خبرنگاران کم‌وبیش به گوش می‌رسند، اما هیچ‌گاه اخباری مبنی بر عذرخواهی ذلان مسؤول از خبرنگار به چشم نمی‌خورد. خبرنگاران به واسطه فقدان حمایتی که در قانون پیش‌بینی نشده است دچار مشکلات فراوان هستند و همین مسأله باعث می‌شود که به‌طور جدی خود را درگیر مسائل جامعه نکنند. چشم تیزبین خبرنگار، که باید سره را از ناسره تشخیص دهد، غالباً اعضای پشه می‌کند تا خود را به دردمس بیندازد. گاهی که خبرنگاری از سردرد در گزارش، انتقادی از دستگاهی را درج می‌کند، سیل نامه و تلفن به سمت آن نشریه روان می‌شود و طبق قانون موظف به درج پاسخ می‌شوند، به راستی بیان ضعفها و نقصانهای دستگاههای اجرایی بر عهده کیست؟

مسأله دیگر فقدان امنیت شغلی خبرنگار است، غالباً مدیران مسؤول از خبرنگاران می‌خواهند که ابزار دست آنان باشند، و به عنوان وسیله به ایشان نگاه می‌کنند، خبرنگار به لحاظ اینکه هیچ مرجعی را برای رسیدگی به امور خود نمی‌بیند یا خود را با اوضاع وفق می‌دهد و یا رسالت خبرنگاری را رها می‌نماید

پدیده‌ایم، در نتیجه برای نبین جایگاه آن در جامعه الزاماً باید حمایت‌هایی نیز از آن صورت گیرد. کشور ما دارای تجربه‌های بسیار محدودی از آزادی و استقلال مطبوعات است، لذا اگر خواستار مطبوعاتی مستقل و آگاه‌کننده هستیم، باید قانونی جامع برای تعیین حدود، اختیارات، آزادیها و دیگر امور مربوط به مطبوعات وضع شود. اصولاً قانون راهیای وصول به هدف را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند. و با استناد و عمل به آن می‌توان با صرف هزینه کمتر و رعایت حقوق اجتماعی دیگران زودتر به مقصد رسید. در حالی که متأسفانه قانون فعلی مطبوعات فاقد چنین خصوصیت و عملکردی است. در جای جای این قانون آمده است که حدود کار تو چیست اما در هیچ‌کجا نیامده که دیگران نسبت به تو چه وظیفه‌ای دارند. آیا خبرنگار دلسوزی که هدفش یافتن نقاط ضعف و نهایتاً رفع آنهاست، باید از طریقی تحت حمایت و کنترل قرار بگیرد یا خیر؟ آیا مسؤولان موظف به ارائه اخبار و گزارشهای صحیح به ارباب جراید هستند یا خیر؟ در غیراین صورت آیا صاحبان قلم، مجوزی برای کسب اطلاعات و اخبار دارند؟ آیا همان‌طور که برای ارباب جراید خط و نشان کشیده شده، برای افراد متخلف در دستگاههای اجرایی و دولتی نیز چنین چیزی پیش‌بینی شده است؟ متأسفانه ما همواره می‌بینیم که جدیدترین اطلاعات و اخبار از خبرنگاروبهای خارجی به دستمان می‌رسند، آیا نباید روشی پیش‌بینی شود که مسؤولان نیز موظف به ارائه اخبار صحیح به جراید باشند؟

۲. آیا فکر می‌کنید که در قانون مطبوعات امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران



- نتایج نظرسنجی انجام شده در دومین جشنواره مطبوعات حاکی است که ۸۴٪ نمایندگان نشریات مستقر در غرفه‌ها، مخالف افزایش قدرت هیأت نظارت در اصلاحیه جدید قانون مطبوعات هستند.
- روزنامه‌نگاران امیدوارند که در بازنگری قانون مطبوعات، تشکیل نظام صنفی خاص روزنامه‌نگاران مورد توجه قرار گیرد.
- در قوانین و مقررات خاص هریک از صنوف - به استثنای روزنامه‌نگاران - برای پاسداری از منافع اعضا و تأمین نیازهای حقوقی و حرفه‌ای آنها، تشکیلات صنفی خاصی پیش‌بینی شده است.
- عدم پیش‌بینی تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران از نقایص مهم و آشکار قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن است.

قانونی کامل که در برگیرنده تمام مسائل جامعه مطبوعات باشد، نیز می‌تواند توقعی منطقی باشد. پس تدوین قانونی که راه تکامل آن به صورت قانونی پیش‌بینی شود و در دوره‌های کوتاه‌مدت مورد توجه و بازبینی قرار گیرد می‌تواند سرفصل مناسبی برای کار مطبوعات باشد.

حاشیه:

۱. انتشار مطبوعات را آزاد بگذاریم، اما با تخلفات جدی برخورد کنیم. دکتر کاظم متمدن‌زاده، همشهری، ش ۱۳/ ۶۷۴ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۴): ۱۲.
۲. غلامحسین صالحیار.
۳. دسر تاریخی قوانین مطبوعات ایران. حمید مقدم‌فرا، رسانه، س ۴، ش ۱ (بهار ۱۳۷۲): ۴۳-۳۷.
۴. همان.
۵. همان.
۶. انتشار مطبوعات را آزاد بگذاریم، اما با تخلفات جدی برخورد کنیم.

کنونی خود فایز نمی‌آیند مگر اینکه:
 - حقوق مادی و معنوی کارکنان آنها محترم شمرده شود.
 - شکل صنفی مطبوعات فعال شود.
 - خبرنگاران و روزنامه‌نویسان و دیگر کارکنان مطبوعات با حداکثر ۲۰ سال کار مطبوعاتی بازنشسته شوند!
 - گردانندگان مطبوعات از مواضع کاملاً حرفه‌ای حرکت کنند.
 - در مطبوعات، به تجربه و کارایی بیش از مدرک تحصیلی اهمیت داده شود.
 - و سرانجام قانون مطبوعات با نظارت نمایندگان واقعی مطبوعات یعنی خبرنگاران و نویسندگان بازبینی شود.

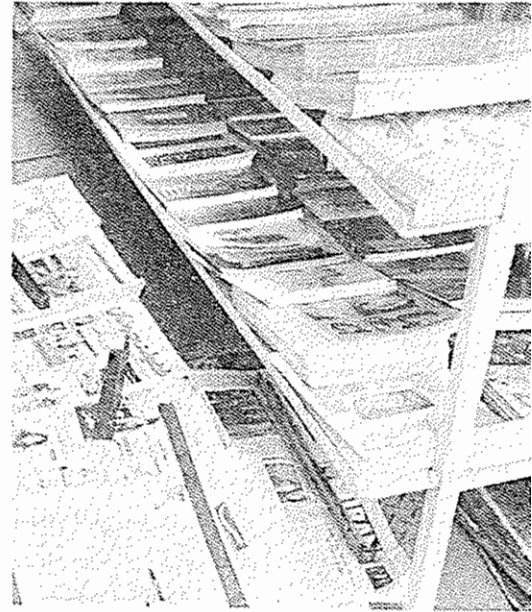
مصطفی حقدوست:

به نظر من داشتن قانون و پرداختن به آن اصلی‌ترین نیاز این جامعه است، انتظار تدوین

حمایت از شوون حرفه‌ای و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران وجود ندارد. هر فرد و مقامی با بهانه‌واهی می‌تواند از خبرنگار شکایت کند و او را به محکمه بکشاند. در موارد بسیار شاهد این‌گونه شکایات بخصوص در شهرستانها و محیطهای کوچک بوده‌ایم. هرچند که در اغلب موارد مسؤولان قضایی با درایت رأی بر تبرئه خبرنگاران صادر کرده‌اند اما این کافی به نظر نمی‌رسد و ضروری است که در بازنگری قانون مطبوعات به همین منظور مواد و تبصره‌هایی در حمایت از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران تدوین شود و برای شاکیان حد و مرزی مشخص گردد تا ضمن حفظ شأن و حرمت خبرنگار، وقت او بی‌جهت در دادگاهها صرف نشود.

رضا خسروی:

مطبوعات ما بر دشواریها و کاستیهای



۷. دسر تاریخی قوانین مطبوعات ایران.

۸. همان.

۹. مطبوعات ایران و مشکل مطبوعات در ایران.

غلامحسین صالحیار، دنیای سخن، ش ۶۲ (آبان و آذر ۱۳۷۳):

۲۵-۱۶.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۲. همشهری، ش ۶۷۴ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۴).

۱۳. ایران، ش ۷۲ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۴).

۱۴. ایران، ش ۷۴ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴).

۱۵. سانسور و خود سانسوری در ایران، دکتر مهدی

محسینزاد، رسانه، ش ۳، ۲ (تابستان ۱۳۷۱): ۳۱-۲۸.

۱۶. نظام صنفی روزنامه نگاران، حمید مقدم فر، رسانه،

ش ۴، ۲ (زمستان ۱۳۷۲): ۳۱-۲۸.

۱۷. قانون مطبوعات، نارساییها و نیازها، حمید مقدم فر،

رسانه، ش ۵، ۱ (بهار ۱۳۷۲): ۲۵-۲۲.

۱۸. ۸۴ درصد نمایندگان نشریه‌های مستقر در غرفه

مطبوعات مخالف افزایش قدرت هیأت نظارت بر مطبوعات

هستند، همشهری، ش ۶۷۴ (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳): ۱-۱.

با پیش‌فرض این اساس، مگر کسی تصور و انتظامی
نکند.

۳. فکر نمی‌کنید که بر قانون مطبوعات
وجود تضمینی برای دادن اطلاعات لازم از
سوی مسئولان و سواکثر محتلف به
روزنامه نگاران ضروری است؟

در کشورهایی بسیار فربه و حتی بسیار
سازمانده می‌بینید که مطبوعات جریان‌سازی
می‌کنند یا آزادی کامل مسئولان کشور را به
میر میراندند. عین مطلب من است. من آنجا
تا قبل از اتمام این دوره خبرنگاران هستم. حال
اینکه من فقط به خبرنگاران از میان آنکه
تسلطشان خبرنگاری است، اشاره دارم، باید
تصورهایی برای خبرنگاری در نظر گرفته
شود و همچنین تهیه‌کننده و تهیه‌کننده
آخرین کسی که باید به شایسته و جامعه صحت
بامعناترین افراد خبرنگاران هستند. آخرین
کسانی که باید از طریق هیأت نظارت سانسور
شود، توان گسترش این از این سانسور باید
بیشترین حفاظت‌های قانونی بر آنم گرفته.

۴. به نظر شما برای تشکیل نظام صنفی
مطبوعات روزنامه نگاران در قانون مطبوعات
باید چه اقداماتی باید انجام داد؟

از روشی و بهندسی نسبت به فعالیت و نشان
بسیار برای سانسور و تسلط است. این فکر
می‌کنند که همه آنها را قانون برایشان کرده
شود. این است اصولاً چیزی که روزنامه نگاران
مطبوعات می‌باید مسائل آنها را حل کند. ما
باید که قانون به سانسور از همه چیزها
دور و بر آنها را محرم خود می‌کنند و همه مردم
بسیار کنند. آنها را تسخیر و برساند به
مطبوعات مراجعه می‌کنند و نگاه مطبوعات در
این امر باید به همه آنها شده باشد. از یک سو
این حرف‌ها را باید حل مردم باشند و این تمام
سند و فعالیتها به جامعه و از سوی دیگر
مطبوعات و سانسور آنها منابع از انجام این
وظیفه می‌شوند. چنین مسائلی به علاوه
بسیار مطبوعات در کشور ما قضایی را ایجاد
کرده است که در آن اصولاً هیچ روزنامه نگاری
کند و نیست و افراد پس از چند سالی کنار
مطبوعات ترجیح می‌دهند که گوشه مطبوعه و
برای چند سالی برای همه نگویند و سانسور
در مطبوعات این شکل را پیدا کنند. اما
فکرهایی لازم برای ایجاد یک شکل بر وجود

نیست. علاوه بر اینها مطبوعات در کشور ما
همواره وجه سیاسی داشته‌اند و تسکین‌ها
برای اصولاً خیلی مقبول جامعه بوده‌اند.
بنابراین مسائل و مشکلاتی تا وقت مطبوعات
همه بکن دیگر از نظر جامعه تا شکل مطبوعات
است.

۵. نظر می‌رساند که اگر بر قانون مطبوعات
حفاظت‌های لازم از خبرنگاران و آزادی‌ها
بمیل آید و اعتبارات و وظایف آنها مشخص
شود، تصور می‌کنند که بعد از سالها بسیار
خوبه به مشکلاتی حل می‌شود و جامعه روز
این است.

۶. حرم مطبوعات از دید شما چگونه
جرمی است؟

مسائل خیلی اساسی هستند. خصوصاً جامعه
علاقه امنیت و جاساس صحت می‌تواند جرم
مخصوصی شود. حفاظت‌ها که در قانون اساسی
آمده است، نشان دادن و مطبوعات در میان
مطالب آزادی مگر آنکه صحت به جاساس لازم و
با حقوق عمومی باشد.

۷. آیا می‌تواند تضمین‌هایی باشد که از این
جاساس به عمل آید؟ در مسائل این است که آیا
برداشتن به شایسته و سانسور مطبوعات در
حفاظت‌ها برایشان. مثال آن که به جاساس باید
گرفتن منابع صحت است؟ هرگز این هر نظام و
حفاظت‌ها قانون و به جاساس صحت می‌کنند.
اگر جامعه به فکر در این از وظایف و فعالیتها
رسند، نگاه می‌تواند که جرم جاساس و
برای کدام است؟ سانسور در حال حاضر
سانسور که سانسورهای سانسور و سانسور
برود یعنی افراد جاساس هستند. از این و اصول
سازمانده است.

۸. اگر خارج از چهارچوبهای مطرح
شده، ناگفته‌ای خاصه است، مطرح کنید؟

توجه این است که در این نظام بر جاساس
اصول اساسی و سانسور به جاساس و سانسور
تسلط‌ها تخمین و سانسور لازم برای ارتقای آن
فراهم شود. قانون بعد جاساس و سانسور
محو کرد. مسئولان می‌دانند که در مسائل
تسلط‌ها مطبوعات چه باید کرد. پس نگویند
هم که شده. جاساس و سانسور و سانسور
گرفت از سانسور است. سانسور مطبوعات
بسیار است و سانسور باید که ارتقا و سانسور
بسیار جامعه در نظر سانسور مطبوعات آزاد
مسائل و سانسور است.